

«اجتبا قطعاً نباید هیچ غربی داخل شوند و در امور سیاستیه مداخله نمایند»
«حضرت عبدالباقر»

آهنگ بدیع

سال

۲۸

شماره ۷-۸

۱۶ شکر العزّة الی ۱۸ شکر القدره ۱۳۰ بدیع

مهر و آبان ۱۳۵۲

مخصوص جامعه بهائی است

فہرست صفحہ

- ۱- لوح مبارک حضرت عبدالہاء ۴
- ۲- از دستخط بیت العدل اعظم الہی ۵
- ۳- شرح نقش نگین اسم اعظم - احمد پیرا ۱۱
- ۴- مقام کلام منظوم در آیات الہیہ
ستید غلام رضا رومیا ۱۴
- ۵- اخبار مصوّر ۲۰
- ۶- قیام و استقامت مصاحبہ با آفای
دکتر ہوشنگ عہدیہ ۲۳
- ۷- منای قُرب (شعر) (عندلیب) ۲۷
- ۸- شرح احوال حاجیہ بی بی صفری ۲۸
- ۹- قیمت نوجوانان ۳۱

1

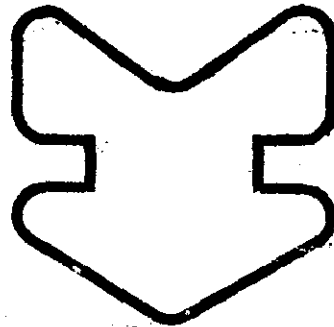
2

تا حد موجب شریعت لازم است لهذا خیلی مبارک است در جوانی تاج
 و برکاتش معلوم نیست ولی بعد با انسان می بینند عاقله که تشکیل مخصوصی متولد
 میشود و محفوظ . دیگر آنکه تا آخر برادر انسان چنان میگردد که از روز و روزگار محفوظ میماند
 و محفوظ بسبب عصمت از آن شیء چه عند الله امر عظیم از عصمت و عفت
 نیست از غیر عظم مقامات عالم انسانی است و از خصائص این خلقت روحانی و دون
 کنز مقتضیات عالم حیوانی لهذا تا حد مبارک است و عند الله مستبول ...

« حضرت عبد الباق »

● شرح زیر مستخرج از دستخطی است که بیت العدل اعظم الهی اخبر ما در جواب
سئوالات یکی از اطباءى بهائى مرقوم داشته اند و چون جنبه عمومیت دارد برای
استحضار کلیه یاران درج میشود .

محفل ملی



● همانطور که قوانین حاکم بر حیات جسمانی ، ایجاب می نماید که برای پرهیز از
ضعف و ناتوانی جسمی مواد لازمی را به بدنمان برسانیم و از جسم تحت شرایط
معینی نگهداری کنیم ، به همین گونه قوانین حاکم بر حیات روحانی نیز وجود دارد که
این قوانین در هر عصر و دوره ای توسط مظاهر مقدسه الهیه بر بشریت نازل میگردد و
اگر نوع انسان بخواهد بنحوی صحیح و موزون رشد و نمو نماید باید از این قوانین
که اهمیت حیاتی دارد پیروی نماید . بعلاوه جنبه های مختلف حیات بیکدیگر
مربوط هستند بطوریکه اگر فردی قوانین روحانی را بخاطر نفع شخصی نقض نماید
نه تنها بخود بلکه به هیئت جامعه ای که در آن زندگی میکند صدمه و لطمه وارد میسازد
همچنانکه شرایط و اوضاع و احوال بر روی افرادی که در آن جامعه زندگی میکنند
اثر مستقیم دارد .

چنانکه اشاره کرده اید پیروی از احکام حضرت بهاء الله در جامعه امروزی که رویه جاری آن با موازین امریهائی مغایر است بسیار دشوار میباشد ، معذک برخی از قوانین که اساس سلامت اعمال جامعه انسانی را تشکیل میدهد باید در هر وضع و کیفیتی اجرا گردد و قوانین دیگر به ملاحظه ضعف اخلاقی بشر طبق دستور حضرت بهاء الله به تدریج به موقع اجرا گذاشته خواهد شد ، ولی اینگونه قوانین نیز همیشه به مرحله اجرا در آمد باید ادامه یابد و الا جامعه به اصلاح نائل نشده و بطور روز افزون نزول خواهد کرد . وظیفه مهم اهل بهاء اینستکه از قوانین الهی پیروی نموده و بتدریج نوع بشر را بقبول آن جلب نمایند .

از لحاظ تائید اطاعت و پیروی از قوانین الهی در زندگی فرد باید توجه داشت که مقصود از زندگی در این عالم آمادگی روح است برای عالم بعد . در این عالم شخص باید بیاموزد که چگونه بر شهوات حیوانی خود چیره شده و آنها را تحت تسلط در آورد . حیات این دنیا عبارت از یک سلسله امتحانات و شدائید و موفقیتها و ناکامیها است که مالا بشیر راه پیشرفت های روحانی جدید رهنمائی میگردد . گرچه گاهی ممکن است این راه بسیار سخت و دشوار بنظر آید ولی بتجربه میتوان دریافت نفوسی که از روی ثبات و استقامت احکام حضرت بهاء الله را پیروی نمایند به ترقیات روحانی نائل میگردند ولی آنانکه بخاطر لذات ظاهری در اجرای قوانین الهی مسامحه و سهل انگاری می ورزند نه تنها امیدواری در دل بروراند به سعادت موهوم نمی رسند بلکه از ترقی روحانی بازمانده با مسائل و مشکلات تازه ای روبرو میگردند

برای روشن شدن مطلب مثالی میآوریم . طبق قوانین بهائی در امر ازدواج علاوه بر رضایت طرفین ، رضایت والدین شرط است . ولی امروزه در اغلب موارد والدین غیر بهائی بدلائل تعصب دینی و یا نژادی از ابراز رضایت خودداری میکنند . بارها دیده شده است که ثبات و پایداری اولاد در امر بهائی چنان والدین را تحت تائید قرار داده که سرانجام نه تنها رضایت خود را ابراز داشته اند بلکه روحیه شان نیز تحت تائید قرار گرفته و بستگی و ارتباطشان با فرزندشان بیشتر گشته است .

بنابراین با پیروی از احکام بهائی علیرغم تمام مشکلات نه تنها سبب ایستایی اخلاقی خود را تقویت میکنیم بلکه اطرافیان و نزدیکانمان را نیز تحت تائید قرار می دهیم .

تعالیم بهائی در مورد روابط جنسی واضح و روشن است ، یعنی این روابط تنها میان زوج و زوجه او مجاز میباشد . در این باره مستخرجاتی از چهار نامه که از طرف حضرت ولی امر الله نگاشته شده و جنبه های مختلف این موضوع را روشن میسازد ، باشما در میان میگذاریم . یکی از آنها حاوی قسمتی

است که شما در نامه تان نقل کرده اید. (از نامه مورخ ۵ سپتامبر ۱۹۳۸
خطاب بیکی از یاران) . عطف به سؤال شما در مورد روش بهائی نسبت به
مسأله روابط جنسی و ارتباط آن با ازدواج .

تعالیم بهائی درباره این مطلب حیاتی که راجع به آن اختلاف نظرهای
زیادی وجود دارد ، بسیار روشن و موکد است . بطور خلاصه طرز فکرو روش بهائی
درباره روابط جنسی بر اساس این عقیده است ، که عفت و پاکدامنی باید دقیقاً
از جانب زن و مرد مراعات شود ، نه تنها بخاطر اینکه از نظر علم اخلاق شایسته
و مدوح است ، بلکه از جهت اینکه تنها راه حصول يك ازدواج سعادت‌مندانه
و موفقیت‌آمیز میباشد . بنابراین روابط جنسی جز بصورت ازدواج مجاز نبوده
و کسانی که از این قانون سرپیچی کنند نه تنها در برابر خداوند مسئول خواهند
بود بلکه از طرف جامعه نیز به مجازات لازم خواهند رسید .

دیانت بهائی به اهمیت روابط جنسی واقف است ، ولی هرگونه تعبیر و
برداشت نادرست از اینگونه روابط زیر پوشش عشق های آزاد و ازدواجهای بی
بند و بار و بدون اولاد و نتیجه را محکوم مینماید زیرا این گونه اعمال مضر بحال
انسان و جامعه ای است که در آن زندگی میکند .

تمتع کامل از فریزه جنسی حق طبیعی هر فرد است و قاعده ازدواج شرعاً
به همین خاطر ایجاد شده است . بهائیان بدون آنکه این حق را تحریم کنند
معتقدند که باید تحت ضابطه و قاعده معین که همان طبقه زوجیت باشد ، اعمال
گردد . ترجمه

(از نامه مورخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۴۱ خطاب به يك نفر از یاران)

" سئوالی که شما درباره دل بستگی زن یا شوهر نسبت به دیگری غیر از همسرش
طرح کرده اید ، در تعالیم الهی بصراحت توضیح گردیده است ، باین ترتیب
که سببه عفت و تقوی مستلزم آن است که چه پیش از ازدواج و چه بعد از آن از لحاظ
روابط جنسی يك زندگی توأم با طهارت و تقوی داشته باشیم . قبل از ازدواج
کاملاً عقیف و بعد از ازدواج در روابط جنسی و گفتار و کردار مطلقاً " بشریک زندگی
خود وفادار باشیم .

جهان امروز ضمن داشتن مشکلات بسیار در ورطه افراط در عشقهای جسمانی
و نقصان ارزشهای روحانی غوطه ور است . احبا باید بقدر امکان این مسأله
را درك کرده و بکوشند در سطحی بالاتر از همگنان خود ، که بیش از اندازه و صرفاً
به جنبه های جسمانی وصلت پرداخته و نمونه بارز انحطاط در طول ادوار تاریخ
بشری هستند ، قرار گیرند و باید کوشش کنند که بموازات روابط طبیعی و مشروع
زندگی زناشویی رشته های عمیق دوستی و عشقی ابدی را بر اساس حیات روحانی
استوار نمایند . این یکی از مبادی است که اهل بها باید در آن سرمشق قرار

گیرند و نمونه یک زندگی حقیقی انسانی را راهنما باشند و بدانند که مقام روح انسان بلند است و جسم وسیله ای است از برای تجلی روح تابناک او. لازم به تذکر نیست که این مطالب هیچگونه منافاتی بایک زندگی کامل و طبیعی جنسی در چارچوب مشروع ازدواج ندارد. ترجمه

(نقل از نامه مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۴۰ خطاب به یکی از یاران)

" در جواب سؤال شما مبنی بر اینکه آیا غیر از زناشوئی نمونه مشروع دیگری در مورد استفاده از غریزه جنسی وجود دارد ؟ باید گفت بنا بر تعالیم بهائوسی هیچگونه رابطه جنسی مشروع و جایز نیست ، مگر از راه انجام مراسم قانونی ازدواج بین زوجین و در چارچوب زندگی زناشوئی . روابط دیگر نه مشروع است و نه مفید برای سلامت بدن . جوانان بهائی باید از طرفی درس خودداری و تسلط بر نفس را که بدون شك اثر سودمندی بر رشد و تکامل اخلاقی و شخصیت آنها خواهد داشت فرا گیرند ، و از طرف دیگر باید توصیه شوند که پیمان زناشوئی را در جوانی و در حیوضه نیروی جسمانی برقرار سازند . بدون تردید عوامل اقتصادی اغلب در راه ازدواج جوانان مشکلاتی ایجاد میکند ولی در بیشتر موارد بهانه ای بیش نیست و بنا بر این نباید زیاد بدان اهمیت داد " ترجمه

(نقل از نامه مورخ ۳ می ۱۳۶۱ خطاب به یکی از یاران)

" در خصوص سؤال شما مبنی بر اینکه آیا صلاح است دوباره ازدواج کنید ایشان (حضرت ولی امرالله) صحیح نمی بینند که جواب قطعی به این پرسش بدهند ، زیرا این يك مسأله کاملاً خصوصی است که در باره آن شما و دوستانتان و یا محفل محلی بهتر میتوانید قضاوت کنید . البته در شرایط عادی هر فردی باید ازدواج را وظیفه اخلاقی خود بشمارد و جمال مبارك مؤمنین را بآن تشویق فرموده اند ولی بهیچوجه الزامی نیست تصمیم نهائی با خود شخص است که بسا توجه به خواست خود دایره تشکیل زندگی خانوادگی یا سر بردن بحال مجرد اتخاذ خواهد نمود . ترجمه

از اینکه حضرت ولی امرالله اشاره بلزوم مجازات از طرف جامعه فرموده اند اظهار تعجب کرده اید . حضرت بهاء الله در کتاب اقدس روابط جنسی نامشروع و غیر اخلاقی را نهی فرموده و در متمم آن کتاب (رساله سؤال و جواب) فرموده اند که تعیین مدارج مختلف جرائم جنسی و مجازات آنها با بیت العدل اعظم خواهد بود . در این مورد باید توجه داشت که در امر بهائی فرق است بین طرز رفتاری که شخص باید در مناسباتش با دیگران داشته باشد (مانند عفو و اغماض ، شکیائی و غیره . . .) ، با طرز رفتار و روش محافل روحانیه که وظیفه دار اجرای احکام الهی از روی عدالت هستند .

بعضی از مسائل جنسی مانند هم جنس گرایی و نظائر آن ممکن است

جنبه بیماری داشته باشد که در این صورت باید بطور قطع اقدامات مؤثر طبیی بعمل آید . از تعالیم حضرت بهاء الله چنین مستفاد میگردد که دم جنس گراشی وضع و حالتی نیست که شخص یا آن موافق بوزن و آنرا طبیعی تلقی کند بلکه انحرافی است که در طبیعت زن یا مرد حاصل شده و باید مهار شده و سرکوب گردد . البته این کار بیک تلاش سخت احتیاج دارد همچنانکه مهارت مایسل شخص نسبت به جنس مخالف نیز تلاش بسیار لازم دارد . ممارست و کفایت نفس در این مورد و بسیاری از موارد دیگر زندگی در ترقی و اعتلای روح انسانی اثری سودمند و مفید خواهد داشت ، در مورد ازدواج باید به یک نکته توجه داشته که هر چند این امر بسیار پسندیده و مطلوب است و حضرت بهاء الله قویاً آنرا توصیه فرموده اند ، معیناً مقصد اصلی حیات انسانی محسوب نمیگردد ، چنانکه هرگاه شخص مدت طولانی برای پیدا کردن همسر انتظار بکشد و سرانجام مجرد بماند مفهومش این نیست که از تحقق مقاصد حیاتی خود بازمانده است .

آنچه تا بحال گفته شد در باره تکلیفی بود که یک فرد بهائی باید در مقابل احکام حضرت بهاء الله داشته باشد ، اما شما بعنوان یک طبیب مشاور خانوارها در مسائل جنسی ممکن است اغلب با خانواده های غیر بهائی سروکار داشته باشید که احکام حضرت بهاء الله را قبول نداشته و دلیلی هم در پیروی از آن احکام نه بینند . شما از قبل در رشته خود واجد شرایط بوده و کار میکردید و تردیدی نیست که نظریات خود را بر اساس آنچه که از تحصیل و تجربه آموخته اید -براز میدارید ، آموخته هائی که عبارتست از یک سلسله مفاهیم شناخته شده در باره ضمیر انسان ، رشد ، تکامل ، و عملکرد صحیح آن بدون آنکه به تعالیم حضرت بهاء الله توجه و برخوردی داشته باشد . اما حالا بعنوان یک نفر بهائی میدانید که آنچه حضرت بهاء الله راجع به مقصد حیات ، سرشت و رفتار انسان در زندگی تعلیم فرموده اند از جانب خدا نازل شده و در نتیجه مبتنی بر حقیقت است . با اینحال ناگزیر مدت زمانی لازم است تا نه تنها تعالیم بهاء الله را مطالعه کرده بدقایق آنها پی برید بلکه در عمل دریا بید که چگونه آن تعالیم استنباطات حرفه ای شما را تغییر میدهد . البته این مطلب برای یک دانشمند غیر معقول و نا منتظره نیست . چه بسا در طی تحقیقات علمی عاملی کشف شده که باعث انقلاب و دگرگونی و تجدید نظر در عرصه پهنای مساعی و کاشفهای بشری گردیده است . شما باید در هر مورد معلومات حرفه ای و قضاوت شخصی خود را که بموازات آگاهی بیشترتان از تعالیم مبارک لطفیتر و منیرتر خواهد گردید مشاوری و راهنما قرار دهید ، آنگاه در خواهید یافت که استنباط شما از مشکلات و مسائل انسانی تغییر و توسعه یافته و به راههای جدید و پیشرفته ای برای کمک به مراجعین خود دست یافته اید . روانشناسی هنوز علمی جوان و نارسا است و بهرورایام که

روانشناسان بهائی بر اساس تعالیم حضرت بهاء الله به مثل و نمونه حقیقی حیات
انسانی دست یابند ، موفق به جهش های بزرگ در سبیل پیشرفت این علم شده
و به تخفیف و تسکین مصائب و الام بشری کمک شایان و مؤثری خواهند نمود .

باتحیيات بهائی ، بیت العدل اعظم

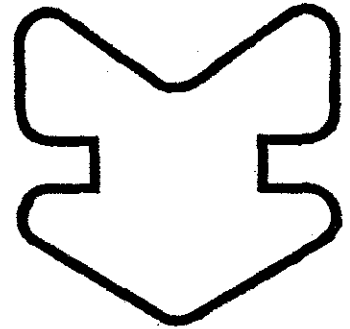


شرح نقش نگین

اسم اعظم

در شرح نقش نگین اسم اعظم با زهم در نشر آهنگ بدیع خوانده اید ، و اینبار از جناب احمد یزدانی میخوانید . شرکت فضلی امر در بررسی و تحقیق این گونه مطالب یقیناً به تزئید معلومات افراد احباً کمک خواهد کرد .
ب . ا

ممیت و غفار و قهار ، اسامی ذات مقدس واحدند و این اسما صفات الهی بابدیت و سرمدیت ذات احدیت همیشه بنحو بساطت و وحدت در ذات مقدس باری تعالی بدون شایبه غیریت و کثرت وجود داشته و دارند و در حقیقت ذات الهی مقدس از اسما صفات متصوره انسان است و این از نیاز و اقتضای احوال ماست که آن غیب الغیوب را هر زمان با اسمی با صفتی میخوانیم . اسم مقدس بها و بهی و بهی نیز در حقیقت ذات مقدس رحمانی ، ابدی و سرمدی بوده . ولی این اسم بخصوص مکنون و مخزون بوده و در هیچ دوره ای از او واردینی بنام اسم اعظم کشف نشده بود .



هر اسم دال بر مسمی است و اسما الهی هم مدل بر ذات حق تعالی میباشد ، چون ذات مقدس الهی واحد است ، اسما مختلفه الهی نیز چون مدل بر ذات احدیه هستند در حقیقت واحدند . مثلاً اسم محیی و اسم

در ادعیه و مناجاتهای دوره اسلام فقط در یکی
 و مورد ذکر این اسم مقدس وارد شده آنها هم
 بدون اینکه مفهوم کسی شود که این اسم اعظم
 است. مثلاً در دعای سحر ایام صیام
 شیعیان اسلام بنقل از حضرت امام محمد باقر
 علیه السلام در جمله اول آن چنین وارد شده :
 اللهم انی استلک من بهائک با بهاء و کسل
 بهائک بهی . و امام در مقدمه شرح دعا قسم
 یاد میفرماید که در این دعا اسم اعظم موجود
 است . کلمات دیگر این دعا مثل رحمت
 و عزت و قدرت و غیره ها در اکثر ادعیه اسلامی
 موجود و مذکور است ، ولی کلمه بها جز در یک
 مورد مذکور نیست . شیخ بهائی گوید :
 اسم اعظم را که کس شناسدش

سروری بر جمله اسماء با یدش
 و چون تقدیر و مشیت الهی چنین بوده که پسر از
 طی ادوار دینی عاقبت دین اعظم و ظهور
 اعظمی ظاهر گردد . این اسم مبارک بها هم
 مخصوص آن ظهور اعظم و قیام مظهر کلی الهی
 است که بنام اسم اعظم در میقات خود سر
 مکنون مکشوف گردید و کلمه بها که بمعنی
 کمال حسن و جلال و زیبایی و روشنی درخشنده
 است که با عظمت و جلال این ظهور اعظم منطبق
 است . حال کورا اعظم و در اعظم و ظهور
 اسم اعظم است که بمناسبت تجلی کلی انوار
 رحمانیت بر عموم عالم انسانی ظهور اعظم و کشف
 رمز مخزون یعنی اسم اعظم " بها " شده است
 و در این دوره سلام اهل بها (الله ابهسی)
 و شعارشان " یا بها " الابهسی " است .

و فی نگین اسم اعظم که گویا از ابداعات
 حضرت عبدالبها ارواحنا لمرسه الاظهر فدا
 میباشد و لوح مبارکی هم از یراعه مرکز میثاق
 الهی در این باب نازل شده است که خلاصه

آن از این قرار است :

این شکل مرکب از دوها و چهارها و دو
 ستاره پنج گوشه درد و طرف آنهاست . شرح
 بها در تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم نازل
 شده و آن عبارت است از حدیث (البها
 بها الله) وها رمز از هویت الهیه و حقیقت
 رحمانیه است که عدد آن پنج و در ظهور حضرت
 باب که آنها عددش پنج است متجلی و آشکار
 شده است . اما چهارها اشاره بارکان
 اربعه بیت توحید است که در آثار مبارک حضرت
 اعلی روح ماسواه فداه وارد شده یعنی توحید
 ذات و توحید صفات و توحید افعال و توحید
 عبارات .

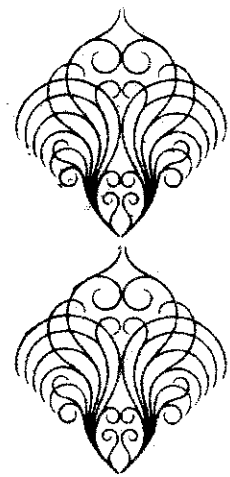
و در وسط نقش نگین اسم اعظم سه سطح
 یا سه خط از دنباله هاها و باء افقی تشکیل
 شده که اشاره بهعالم ثلاثه عالم وجود است که
 عبارت است : از عالم حق که مصدر فیض و
 مشیت است و عالم امر که واسطه افاضه فیض
 بعالم ثالث است یعنی عالم خلق که مطلع
 اقتباس از علم حق و بواسطه عالم امر است
 و باء قائم یا عمودی که از سه خط گذشته
 مقام ظهور حضرت بها الله جل کبریائه است
 که واجد کمالات هر سه عالم است و باء فقیسی
 مقام همیشگی و غیبی بت جمال اقدس ابهسی
 است . و ترکیب بها وها در یکدیگر اشاره
 باین است که ظهور اسم اعظم که مصدر افاضه
 است و حضرت باب الله الاعظم که مطلع استفا
 در این ظهور مبارک اند ، موجد دوره بهائی
 است چنانکه حدیث اسلامی که میفرماید :
 (انا و علی ابوا هذه الامة) یعنی امت اسلام
 از منبع فیض و حقیقت فاعله که حضرت رسول اکرم
 صلی الله علیه و اله و حضرت علی ابن ابیطالب
 علیه السلام که مصدر استفاضه و اقتباس و قوه

سوره اعراف میفرماید: (وواعدنا موسی ثلثین لیلۃً واتمناها بعشر میقات ربه اربعین لیلۃ) یعنی عدد ده تکمیل نبوت است که وعده سی سال بوده و بدو سال یعنی چهل سال میقات آن بوده است .

و دو کوکب پنج گوشه در یمین و یسار که علامت هیکل آدمی است (یعنی سرود دست خمیده و دوزانو) ، اشاره بدو وجود مقدس جمال اقدس ابهتی و حضرت رب اعلی است .
و این خلاصه فص نگین اسم اعظم است که از لوح مبارک حضرت عبدالبهاء اقتباس شده است . و اینک انگشتر اسم اعظم زینت بخش دست راست مؤمنین بهائی است که اعتقادات کلی بهائی بحکمت الهیه در آن درج و جمع است .

منفعله است موجود شده است همانطور که مثلاً " نوع بشر از ترکیب آدم و حوا حاصل گردیده . همچنین عدد بهاء که ۹ است و عدد باب که ۵ است چون ۹ را در ۵ ضرب کنیم چهل و پنج میشود و مفردات ۹ راهم از يك تا ۹ باهم جمع کنیم مجموعاً ۵۴ میشود که عدد آدم است و عدد پنج را که عدد باب است از يك تا پنج جمع کنیم ۱۵ میشود و این عدد حواست . پس ترکیب و تقاطع باء باها نیز یعنی مصدر افاضه و مصدر استفاضه مولهست موجد دوره بهاء و اینظهور اعظم است .
و عدد چهارها هم چون ۴ را از يك تا ۴ جمع کنیم میشود ده و این اشاره بدوره تکمیل نبوت حضرت موسی است ، چنانکه در قرآن

طهران مهرماه ۱۳۵۰
احمد یزدانی



مقام کلام منظوم در آیات الهیه

شیرازی و کشیرا^۱ من امثالهم مورد نهایت اعزاز و احترام بوده و بنام آنان افتخار و مباحات نمود و بیاد بود آنان جشنها برپا داشته و میدارند و بزرگان دین در باره شعر فرموده اند که "الشعرا امر الکلام". یعنی شعرا پادشاهان کلام هستند. و همچنین فرموده اند: "ان الله کنوز تحت العرش مفتاحه السنة الشعرا" یعنی بد رستیکه برای خداوند در زیر عرش الهی

● شعر و کلام منظوم همیشه مقامی بس عالی داشته و شعرای هر ملت و قومی مورد اعزاز و احترام آن قوم قرار گرفته اند. در عالم اسلام و مخصوصاً در ایران حکما و شعرای نامداری از قبیل حکیم فردوسی طوسی و حکیم بوریحان بیرونی و حکیم سنائی غزنوی و حکیم نظامی گنجوی و مولانا جلال الدین بلخی و ابن سینا و عطار نیشابوری و حکیم عمر خیام و سعدی و حافظ

گنجهای نیست که کلید آن گنجها زبانهای شعرا است .

در این امر اعظم الهی در مدت يك قرن ادب و شعرای بی نظیری ، امثال حضرات طاهر و نعیم و مصباح و ورقاء و روح الله و نروسینا و نبیل قائنی و نبیل زرنندی و بصار و ناطق و بسیاری دیگر بظهور پیوسته اند که در چهار مجلد تذکره شعرای قرن اول بهائی شرح حال و آثار گرانقدر هر یک از آنها مندرج و منتشر است و در آسمان شعرو ادب هر یک اختصری تابان و ستاره ای درخشان میباشند و در الواح و آثار مورد تمجید و تشویق و عنایت واقع گردیده که اگر خواهیم همه آن الواح را نقل نمائیم این مقاله که بنایش بر اختصار است بسیار مفصل خواهد شد ، لذا به ذکر سه لوح مبارک اکتفا میشود .

نشئه رحمانی بخشد تا چه رسد بقصائد و نعوت الهی از فضل بی منتهای حضرت یزدانسی می طلبیم که مانند مرغ سحر در گلشن ترانه ملکوت الهی در محامد و نعوت حضرت کبریا لسان گشائی و حق فصاحت و بلاغت بدهی و از عهد بهر آئی و عليك التحية و الشنا ع .

و در لوحی که بافتخار جناب عزیز الله مصیبا نازل گردیده میفرماید :

هو الله

ای بلبل گلشن معانی قصیده فریاده بلیغه ملاحظه گردید در نهایت فصاحت اینست ستایش و نعوت نیز آفاق چون در نهایت بلا در محفل روحانیات ترتیل گردد ملاء اعلیٰ بوجد و طرب آیند و اهل ملکوت ابهی بتهلل و تسبیح مشغول شوند پس خوشحال شما که سبب سرور و حبور گشتی و باعث وجد و طرب یزدانین و عليك التحية و الشنا ع

و در لوحی که بافتخار جناب آذر منیر نازل شده میفرماید :

هو الله

ای ثابت بر هیمن منظومه آنجناب ملاحظه گردید و نهایت بلاغت و فصاحت در بیان واضح و آشکار ، سبب سرور و حبور گشت و ملاحظه اش مورث فرح و روح و ریحان گردید زیرا دلالت بر نعوت و محامد جمال ابهی و رب اعلیٰ مینمورد و این موهبت کبری است و نام آن دلبر بکتسا از هر زبانی بگذرد چون صهبای روحانسی

هو الله

یا من تشبیت بذیل المیثاق غزل پر حلاوت
قرائت کردید در نهایت بلاغت است قریحه
انسان بمثابه ارض طیبه است که در باطن طبقاً
آب سلسبیل جاری و ساری هر چه بکاو و حفر
نعائی بیشتر و لطیف تر نبمان نماید و این نقر
و حفر و کاوش عبارت از کوشش و مداومت در تنظیم
اشعاری چون در تنظیم است لهذا در وقت راحت
هر دم بمحامد و نعوت حضرت مقصود مشغول
شو تا ماء معین و تسنیم سلسبیل از قریحه
جاری گردد . ع

شعر خواند . در آیات این ظهور اعظم نیز آثار
موزونی مشاهده میشود مانند این بیان مبارک
که در کلمات مکتونه میفرماید :

" در روضه قلب جز گل عشق مکار " . گرچه این
جمله مبارک بر وزن " لا حول ولا قوة الا بالله " ^{تشر}
میباشد که بر وزن رباعی است و لکن چون حسن
جل جلاله در نزول آن اراده شعر فرمود نمیتوان
آنرا شعر نامید .

از حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام
اشعار بسیار است که در دیوان آن حضرت مندرج
است و نیز بسیاری اشعار از ائمه اطهار نقل
شده و همه در نهایت فصاحت و کمال بلاغت
و نافع در قلوب و ارواح میباشد و در همه اراده
شعر فرموده اند .

و نیز از حضرت بهاء الله جل ثناءه
آثار است که در آنها اراده شعر فرموده اند
همچنین از حضرت عبدالبهاء روح ماسواه فداء
و در الواح و آثار مقدسه نیز بعضی از ابیات
و اشعار شعرای عرب و عجم را من باب شاهد
نقل فرموده اند .

پس از غروب شمس جمال ابی جمع
از فصحا و شعرای عرب قصائد غرائی در محامد
و ثنا در ضمن رثای آن حضرت انشاء و بحضور
حضرت عبدالبهاء برای عرض تسلیت تقدیم
داشته اند که قسمتی از آنها را جناب ابوالفصاح
در کتاب مستطاب فرائد بمناسبتی نقل فرموده اند
و همچنین هنگام صعود حضرت عبدالبهاء جمعی
از خطبا و شعرای عرب قصائدی در رثا و محامد
و ثنای آن حضرت انشاء که آن خطبه ها و قصائد
در جریده النقیه مطبوعه مدینه منوره حیفاً طبع
و نشر گردیده است .

اما آثاری که از جمال قدم جل اسمع الاعظم
در آنها اراده شعر شده عبارت است از قصیده

اما کلام منظوم در آیات و آثار الهیه .

در بسیاری از آیات قرآنی مشاهده میشود
که اوزان و بحور عروضی موجود است ، من باب
مثال عبارت ، " بسم الله الرحمن الرحیم " که بر
وزن " هست کلید در گنج حکیم " میباشد . و آیه
کریمه " لن تنالوا البرحتى تنفقوا ماتحبون " که
بر وزن عروضی " فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن " است
و آیه شریفه " لترکبن طبقاً " عن طبق " که بر وزن
" مفتعلن مفتعلن فاعلات " است ، و بسیاری
از آیات دیگر قرآن کریم ، اگرچه هر یک دارای
یکی از بحور و اوزان عروضی است و لکن چون حق
تعالی در آیات قرآنی اراده شعر فرموده و
فرموده است که " ما علمناه الشعر " یعنی " بمحمد
نیا موختیم شعر را " . بنا بر این نمیتوان آنها را

عز و رقائیه به لسان عربی که مطلع آن این است

اجذبتنی بوارق انوار طلعمنة
بظهورها كل الشموس تخففت

و ۱۲۶ بیت است که در مجلد سوم کتاب آثار
تلم اعلیٰ باشرح قصیده طبع و نشر گردیده است
و نیز از جمله اشعار مبارک غزلی است که متی
از آن زیلا مرفوم میگردد.

ای حیات العرش خورشید و داد
که جهان و امکان چو تو نوری نزار
گرنبودی خلق محجوب از لقا
یک د و حرفی گفتم از سر بقا
تا که جانها جمله مرهونت شوند
تا که دلها جمله مجنونت شوند
الی آخر بیانہ الاحلی .

حضرت بهاء الله جللت عظمتہ چنانکه قبلاً
اشاره شد در الواح مقدسه من باب شاهد
مثال و یا بمناسباتی دیگر از ابیات و اشعار
شعرای متقدم نقل فرموده اند از جمله در لوح
سلطانی از حکیم ثنائی غزنوی این بیت نقل
شده است :

پند گیرید ای سپاهیتان گرفته جای پند
پند گیرید ای سپیدیتان دمید ه بر عذار
و نیز در همان لوح مبارک این بیت را از شاعر
عرب نقل فرموده اند :

" والبحر بجزلی ماکان فی قدم
ان الحوادث امواج واشباح
و در کتاب هفت وادی که در مراتب عرفان نازل
شده از شیخ فریدالدین عطار نیشابوری این
بیت را نقل فرموده اند :
کفر کافرا و دین دیندار را
ذره دردت دل عطارد را
و نیز در همان کتاب مستطاب از حکیم
غزنوی آمده است :

نشان عاشق آن باشد که سردش بینی از دوزخ
نشان عارف آن باشد که خشکش بینی از دریا
و در لوح معروف به شکرشکن که خطاب به

ساقی از غیب بقا برقع برافکن از عذار
تا بنوشم خمر باقی از جمال کردگار
آنچه در خمخانه داری نشکند صفای عشق
زان شراب معنوی ساقی همی بگری بیبا
تا که این مستورشیدائی در آید در خورش
تا که این مخمورریانی بر آید از خمار
نار عشقی بر فروز و جمله هستیها بسوز
پس قدم بر دار و اندر کوی عشاقان گذر
تا نگردی فانی از وصف وجودای مرد راه
کی چشی خمر بقا از لعل نوشین نگار
گر خیال جان همی هستت بدل اینجامیا
ورنثار جان و دل داری بیاهم بیبا
رسم ره این است گروصل بهاداری طلب
ورنیشای مرد این ره دور شوزحمت میا

و مثنوی مبارک که ۳۱۸ بیت است و در
سوم کتاب آثار قلم اعلیٰ مندرج است باین ابیا
شروع میشود .

میرزا سعید خان وزیر امور خارجه ایران است این
بیت خواجه حافظ شیرازی مطلع آن لوح مبارک -
قرار گرفته.

شکرشکن شوند همه طوطیان هند
زین قند پارس که به بنگاله میروند
و نیز اشعار مثنوی مولوی و شعرای دیگر در الواح
مقدسه برای شاهد مثال آمده است .

از لسان مطهر حضرت مولی الوری عبدالبهیا
جل شانه نیز بیانات منظوم که در آنها اراده -
شعر فرموده اند بسیار است . از جمله غزل زیر:

این خلق بها در حلقه فتاد
این طوق بلا موی تو بود
هر نفعه مشک کاید بمشام
از خلق خوش و خوی تو بود
گر آب حیات بخشیده حیات
سر چشمه آن جوی تو بود
جان تشنه لب است دلها به تب است
کل در طلب روی تو بود
بنگر صنعا روی دل ما
چون قبله نما سوی تو بود
آثار جنون آماده کنون
دل منتظر هوای تو بود

و در ایام مبارک شخصی بود مفتون محبت الله
امر فرمودند که این ابیات را دائما "قرائت"
ر به لحن خزان تلاوت نماید .

ای عشق منم از تو سرگشته و سودائی
واندر همه عالم مشهور بشیدائی
در نامه مجنونان از نام من آغازند
زین پیش اگر بودم سرد فتر دانائی
ای باده فروش من سرمایه جوش من
ای از تو خروش من، من نایم و تونائیس
گر زندگیم خواهی در من نفسی دردم
من مرده صدساله تو روح مسیحا ئی

همچنین غزلی است که میفرمایند:

شمع شبستان حق نوره آفاق بخش
مقتبس از شمع شو شعله و اشراق بخش
شرق منور نما غرب معطر نما
روح بصقلاب ده نوره افلاق بخش
جسم علیل جهان خسته شد و ناتوان
مرهم هر زخم شو داروی دریا بخش
السی آخربیانة الاحلی .

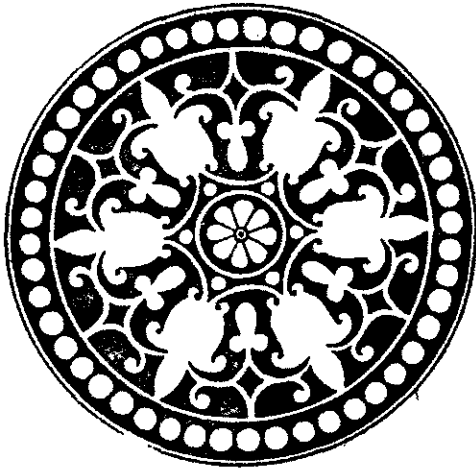
و از جمله بیانات منظوم مثنوی مبارک است
که بر سبیل مناجات از لسان اطهر حضرتش
نازل و جاری گشته :

هو الله
ای خدای پر عطا ی ذوالمنن
واقف از جان و دل و اسرار من
در سحرها مونس جانم توئی
مطلع بر سوز و حرمانم توئی

عردلی پیوست با ذکر ترمی
 جز غم تو می نجوید محرمی
 خون شود آن دل که بریان تو نیست
 کوربه چشمی که گریان تو نیست
 در شبان تیره و تار ای قدیر
 یاد تو در دل چو مصباح منیر
 از عنایات بدل روحی بدم
 تا عدم گردد ز لطف تو قدم
 در لیاقت منگبرو در قدرها
 بنگران در فضل خود ای ذوالعطا
 این ظیوریاں و پراشکسته را
 از کرم بال و پری احسان نما
 اما در روشن و سبک نویسنده فرموده اند :

هو اللہ

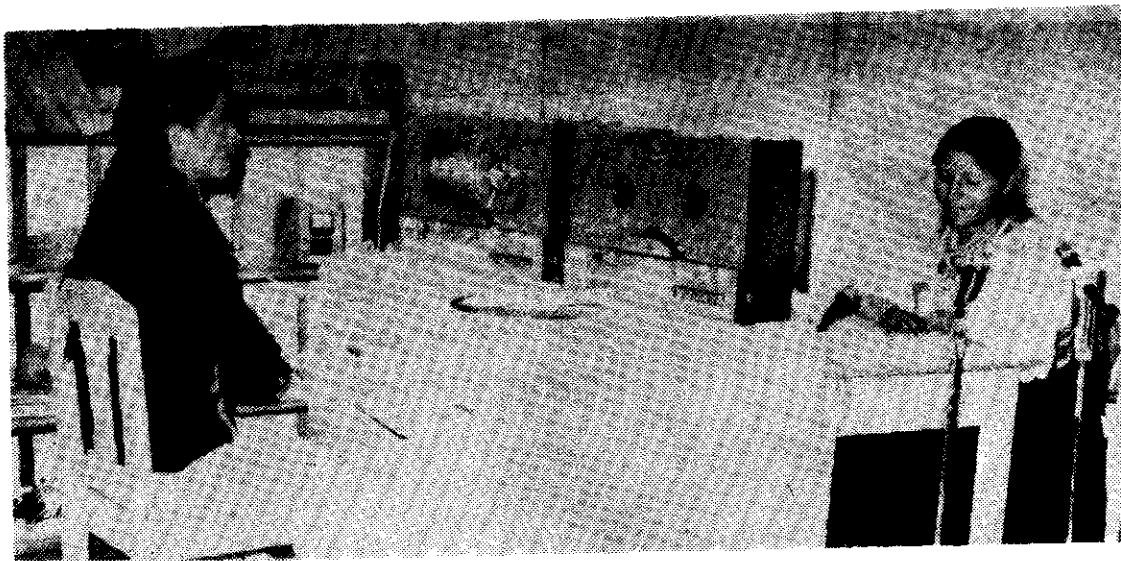
" و اینکه مرقوم داشته بودید یکی از دستا
 حق، رساله نوشته تلقاً وجه عرض شده—ذا
 ما نزل فی الجواب، الیوم آنچه نوشته میشود
 باید بکمال دقت ملاحظه نمود تا سبب اختلاف
 واقع نشود و محل ایراد قوم نگردد. در لوح
 حکمت این کلمه نازل، ان آذان المعرضین
 مدود قالینا لیسمعوا ما یعترضون به علی اللہ
 المہیمین القیوم. این فقره خالی از اهمیت
 نیست باید آنچه نوشته میشود از حکمت خارج
 نشود و در کلمات طبیعت شیر مستور باشد تا
 اطفال روزگار بآن تربیت شوند و بمقام بلوغ
 فائز گردند از قبل ذکر نمودیم که یک کلمه بمنابہ
 ربیع است و عالم قلوب از او تازه و خرم شود
 و کلمه دیگر بمنابہ سموم، ازها رو اوراد را بسوزاند
 انشاء اللہ مؤلفین از دوستان حق باید بنویسند
 آنچه را که نفوس منصفه بپذیرند و نزد قوم محل
 ایراد واقع نشود " انتهى .



سید غلامرضا روحانی

عراق محصور

دو نفر از احباب اکوادور Ecuador
به هنگام ضبط و تنظیم برنامه برای
اولین راد یوی بهائی در آن کشور.
این ایستگاه راد یوی با بود کم
اخیرا توسط محفل ملی اکوادور
تاسیس گردیده و مناطقی از
دره‌های کوهستان صخره‌ای آنند
را می پوشاند .





تصویری از گروهی از اقبسای
 اکوادور در حال خواندن سرود
 و نواختن موزیک .
 این عکس در کانونشن سنه ۱۹۶۹
 آن کنسورد ر واکا بونته Vagabundo
 برداشته شده است .



اعضای دارالتبلیغ بین المللی در اولین اجلاس خود (ژوئن ۱۹۷۳)

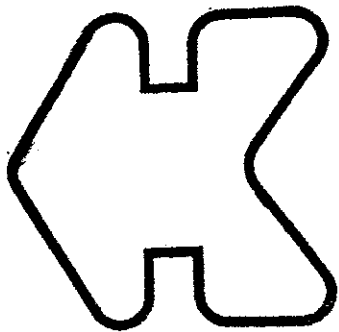
قیام و استقامت

● مصاحبه‌ای با جناب دکتر هوشنگ عهدیه
عضو محترم هیئت مشاورین در آفریقا .

مصاحبه‌کنندگان : رضوان اشرف ، سیروس مشکی
تنظیم : سیروس مشکی

آقای دکتر عهدیه بگرمی از ما استقبال میکنند نگاهش سرشار از مهربانی و چهره اش متبسم و دوست داشتنی است ، تحرك و نشاط يك جوان بیست ساله را دارد . با محبت خاصی ما را به اطاق پذیرائی خانه هدایت میکنند و وقتی خود را معرفی میکنیم مشتاقانه میپرسد که برای آهنگ بدیع چه میتوانند انجام دهد . با اینکه بیان فصیحی دارد از راه تواضع میگوید آخر من که اهل خطابت و کتابت نیستم ، چه شده سراغ من آمده اید ؟ و ما یادمان میآید که او مرد عمل و تبلیغ و یکی از موفق ترین مهاجرین آفریقا است .

کسانی که دکتر عهدیه را میشناسند میدانند که وی در سال ۱۳۳۵ پس از اتمام دانشکده دندانپزشکی دانشگاه طهران بلافاصله بار سفر بست و به قصد مهاجرت راه کشور اتیوپی (حبشه) را در پیش گرفت و از همان ابتدا در (آسمارا) که یکی از شهرهای کوچک اتیوپی است ، اقامت گزید . خود دکتر عهدیه مطلقاً از خود سخنی نمیگوید و دائماً هم تاءکید دارد که از مسائل شخصی و خصوصی زندگی من چیزی ننویسید که بدرد هیچکس نمیخورد ، ولی ما از پدر بزرگوارش که حاضر است ، با استفاده از فرصت کوتاهی که در غیاب دکتر عهدیه پیش میآید ، شنیدیم که شخص دکتر در ابتدای مهاجرتش به اتیوپی دچار



امتحانات عظیمه الهی میگردد ، از جمله در ریث سانحه اتومبیل ، آسیب فراوان دیده و چند ماهی در بیمارستان بستری میگردد و وضع جسمانی مشارالیه بقدری وخیم میگردد که اطباء از وی قطع امید کرده و برای معالجه قطعی پیشنهاد مسافرت به کشورهای اروپائی مینمایند . در این اثنا ، و بدون آنکه عریضه ای بحضور مبارک حضرت ولی عزیر امرالله تقدیم شود ، تلگرافی از آن ناحیه منیع عز صدور می یابد تقریبا " بدین مضمون که در باره سلامت هوشندگ عهدیه نگران نباشید و ما برایش دعا میکنیم .

بعد از وصول این تلگراف به وجه غیر منتظره ای حال دکتر عهدیه رو به بهبود میگردد و پس از قلیل مدتی سلامتی کامل اعاده میشود و علاوه بر اینکه نیازی به مراجعه به اطباء سایر کشورهای پیدا نمیشود ، آثار و عوارض تصادف نیز از بین میرود .

از دیگر مشاکی که دکتر عهدیه در اوایل دوران مهاجرتش به آسمارا با آن مواجه شد گرفتاریهای شغلی بود بطوریکه بعلمت قلت مراجعین ، تقریبا " کار مطب تعطیل و از سالن انتظار آن به عنوان محل اجتماع احباء و مبتدیان استفاده میشد و حضوری که خود دکتر عهدیه میگوید : گاهی اوقات افراد بیومی مراجعه میکنند تا در جلسات ما شرکت کرده و از دیار بهائی اطلاعاتی کسب نمایند و ما بعلمت اینکه سینه صدیقی بقدر کافی نداشتیم از ایشان عذرخواست و تقاضا میکردیم چند روز بعد مراجعه کنند .

خوشبختانه دکتر عهدیه و خانواده اش با اصطبار فراوان و توکل به فضل عمیم جمال اقدس الهی امتحانات الهیه را با موفقیت و سربلندی پشت سر گذاشته و همه دیدند که مشاکسل و مضامین اولیه تدریجا " از بین رفته و مدارج ترقی

معنوی و مادی یکی بعد از دیگری پیموده شد بنحوی که امروز ایشان عضو محترم هیئت مشاورین قاره های در آفریقا و یکی از افراد خدوم و لایق و حقیقه " موفق جامعه جهانی بهائی میباشند و سایر شئون زندگیشان نیز مشحون از موفقیتها و پیروزیها بوده است .

دکتر عهدیه میگوید :

اولین مهاجر

اتیوپی آقای صبری الیاس هستند که در حدود سی و پنج - شش سال پیش به امر حضرت ولی عزیر امرالله به اتیوپی رفتند و به خدمات و فتوحات باهره موفق و از طرف آن حضرت به لقب (فاتح اتیوپی) ملقب گردیدند . و اولین مهاجر شهر آسمارا آقای دکتر فرهومند میباشند که سایر مهاجرین که بعدا " به این شهر آمده و اکثرا " ایرانی و بعضا " مصری بودند از کمک و مساعدتهای ایشان بسیار برخوردار شده اند و در اثر مجاهدات و بذل مساعی این مهاجرین عزیز تاکنون متجاوز از ۱۲۰ نفر از احبای بومی آسمارا قیام به هجرت نموده و تنی چند از ایشان نیز به افتخار عضویت محافل طی در سراسر عالم نائل شده اند .

از آقای دکتر عهدیه تعداد فعلی احباء را در آسمارا سؤال می کنیم . میگوید :

در حال حاضر حدود صد نفر بهائی در این شهر کوچک ساکنند و جالب اینجاست که چند

روز پیش طی تلگرافی اطلاع یافتیم که در عرض
چهل روز اخیر اقامت من در طهران پانزده
نفر دیگر از اهالی آسمارا در ظل امر مستطل
گشته اند .

میدانیم که بعلت امکانات فراوان ، تبلیغ
در افریقا بطور موسّع و اکثری^۱ دسته جمعی
صورت میگیرد و روزانه تعداد کثیری به امر
بهای اقبال میکنند و بطور مثال در ظل
نقشه ۳ ساله در کشور کنیا سه هزار مرکز امری
تأسیس شد که از این میان تعداد هزار
محفل روحانی تشکیل گردید ، اما این تازه
شروع کار است ، آنچه که پس از حصول این
موفقیتها و بمنظور حفظ و توسعه نتایج حاصله
باید انجام گیرد بعراتب مهمتر و اساسی تر
است . مخاطب ما خیلی خوب بر این مطلب
وقوف دارد ، ایشان میگوید : پیشرفت
سریع امر در عالم عموماً " در افریقا خصوصاً "
از افتخارات جامعه کنونی بهائیان عالم است
اما این فتوحات اگر چه بسیار بزرگ است لکن
کامل نیست ، فتح کامل ، تربیت و تعلیم
صحیح و دقیق افراد تازه تصدیق میباشند
زیرا در حال حاضر سرعت پیشرفت امر در جهان
و کثرت مقلبین جدید ، مشکل تازه ای پدید
آورده که عبارتست از لزوم رسیدگی به وضع
تازه تصدیقان و تعلیم و تربیت دائم و کامل
ایشان . وقتی که افراد گوناگونی با طرز تفکر
و ندگی متفاوت و با مشرب و تربیت خاصی که
در ندگی اجتماعی و خانوادگی خویش
یافته اند وارد جامعه امر میشوند هدایت
ایشان و ساختن یک بهائی واقعی بنحوی
که اتحاد و یکپارچگی لازمه بین احباء از هر
نظر حفظ و مراعات شود ، از اهم مسائلی
است که با آن مواجهند و بنده معتقدم که

برای نیل به این منظور تعداد مهاجرین ما
باید لا اقل ده برابر تعداد کنونی شود و در
اجرای این نیت ، جوانان همانطور که تا
کنون نشان داده اند سهم بسزائی میتوانند
و باید که عهده دار شوند .

د
دکتر عهدیه به مطلب دیگری که فوق العا
دقیق و مهم است اشاره میکند وقتی که میگوید :

احباء بخصوص جوانهای بهائی باید از هر
نظر جسماً و روحاً آمادگی داشته و خود را
برای قبول مسئولیتهای خضیر و سنگینی مجهز
سازند زیرا پیشرفت و توسعه در همه جا موجود
مشکلات و عوارضی است ، افزایش سریع افراد
تازه تصدیق وضعی را پیش آورده که هر لحظه
ممکن است به احباء و ظایفی محول شود یا از
ایشان مسئولیتهای خواسته شود که جز با
آمادگی کافی و قبلی نمیتوان با آن مواجه گردید .
در این میان آنچه را که باید از نظر دور نداشت
مسئله انجبار جمعیت دنیا است . بدین تعبیر
که همزمان با افزایش سریع تعداد بهائیان عالم
جمعیت دنیا نیز بوضع بی سابقه ای افزایش
پیدا میکند و ما که قصدمان در بادی امر اقبال
کلیه افراد عالم است باید این نسبت ها را
پیوسته در نظر داشته و با برنامه ریزی صحیح
و دقیق ، انتاج آثار مقصوده را تسریع بخشیم
ضمناً باید یادمان باشد که به سرعت به رضوان
(۳۱) بدیع نزدیک میشویم و این سالی است که
برای همیشه بوجه مشعشعی در تاریخ پرافتخار
امرتبت خواهد شد . البته بنده نه اجازه و نه
اطلاع دارم که از برنامه های بیت العدل اعظم

الهی برای سال ۱۳۱ بدیع مطلبی عرض کنم
 اما همینقدر میدانم که از طرف ساحت رفیع بیت العدل اعظم برای سال آینده نقشه های (عظیم) و (سنگینی) طرح شده است و این البته کاملاً بدیهی است چه همانطور که در آغاز نقشه منیعه دهساله فقط ۱۲ محفل ملی داشتیم و حال این تعداد از ده برابر هم تجاوز نموده است، طبعا وظایف و مسئولیتهای احباء در آینده به مراتب سنگین تر و خطیر تر خواهد شد.

ووقتی از آقای دکتر عهدیه در خصوص مشکلات مهاجرت به نقاط فرانسوی زبان افریقا به علت کمبود نسبی مهاجرین که فرانسه بدانند می پرسیم، خیلی صمیمانه میگوید:

این البته اشکالی است که مع التاء سوف وجود دارد اما باید خدمتان عرض کنم که فی الواقع موضوع زبان در امر مهاجرت یک امر ثانوی است و به هیچوجه نباید آنرا در زمره مسائل اصلی بشمار آورد زیرا اولاً انسان زبان را در محیط اصلی خیلی زود و راحت فرا میگیرد به عنوان مثال من و خانم تا وقتی که به اتیوپی رفتیم زبان ایتالیائی حتی بگوشمان هم نخورد بود ولی بیش از چند ماه نگذشت که براحتی آنرا فرا گرفتیم، ثانیاً در کشورهای افریقائی خیلی از مردم بومی به چند زبان آشنائی دارند و عملاً مشکل چندانی بوجود نمیآید. ثالثاً افرادی که تازه به مهاجرت میروند و به زبان متداول محل مسلط نیستند، در عرض چند ماه اولیه که بفرآگیری زبان مشغولند به طرق

مختلف مؤثر واقع شده و بنوبه خود متمرکز میگردند. مثلاً نفس حضور ایشان بین سایر احباء که موجب دلگرمی و تشویق احباء میشود و با شرکت در تشکیلات محل و یا تبرعاتی که تقدیم میدارند موجب میگردد که مهاجر تازه وارد حتی پیش از آنکه زبان بداند منشاء اثر گردد.

از آقای دکتر میخواهیم اگر مطلب ناگفته مانده برای خوانندگان آهنگ بدیع بگویید. با خوشروئی و لبخند شیرین میگوید:

من از ۱۹ - ۱۸ سال اقامت مهاجرتی در خارج از ایران تجربه ای کسب کرده ام که خیلی دلم میخواهد همه و بخصوص جوانان عزیز بدانند و آن اینست که اگر کسی در راه خدمت به مولای محبوبان قیام نموده و استقامت ورزید قطعاً در کلیه شئون زندگی اعم از مادی و معنوی موفق میگردد و من برای این موضوع مثالها و مصاریق بیشماری سراغ دارم که انشاء الله در فرصتهای آتی برایتان خواهم نوشت اما عجالاً بدانید که چون سرچشمه تمام توانائیهای انسانی، قوای روحانی است بنابراین با اتکا به قوای روحانی و تقویت آن، بدون هیچگونه شبهه ای امور مادی و ظاهری انسان هم تنسیق مییابد بشرط آنکه آن دو شرطی که عرض کردم وجود داشته باشد: اول قیام، دوم استقامت.

منه قریب

عندلییب

خار را گل ، جسم را جان میکند
ذره را خورشید تابان میکند
از برای ماه کنعان میکند
گاه جا بر اوج کیوان میکند
هر زمان صد خانه ویران میکند
در منای قرب قربان میکند
اقتدار عشقش آسان میکند
نوح را ایمن ز طوفان میکند
وزعصا ایجاد شعبان میکند
نغمه زن در کنج زندان میکند

عشق زندان را گلستان میکند
قطره زودریای عمان میشود
چاه و زندان را کلید ملک مصر
گاه سربسرخاک ایوان می نهند
هر دمی صد شهر برهم میزند
صد چو اسمعیل را در پای دوست
در جهان هر کار دشواری که هست
روح را بر دار دشمن میزند
قاتلی را می دهد پیغمبری
عندلییبی را بصد وجد و نشاط

شرح احوال حاجیه بی بی صفیری



طائف الحرمین مفتخرو بفیوضات رحمانیه فائز
و نایل بودند و بعد به یزد مراجعت و بمکتب
داری اشتغال ورزیدند که شوهرشان حاجی
محمد درویش برحمت حق پیوستند . مرحومه
حاجیه بی بی صفیری از شدت ذوق و شوقی
که به تحصیل علوم و کسب کمالات داشتند درایا
پیروی اشتغال به تحصیل ورزیده و بالاخره باخذ
درپلم کامل متوسطه مفتخر شدند و مدبریت
مدرسه تربیت و شیزگان را شخصا بعهده
داشتند تا آنکه تمام مدارس بهائیان ایران
از جمله این مدرسه بسته شد و ایشان بسمت
آموزگار وزارت فرهنگ مشغول و پس از چندین
سال خدمت بازنشسته شدند . مرحومه
حاجیه بی بی صفیری تا اواخر زندگی تمام
اوقات بخدمات امری و تدریس جوانان بهائیی
اشتغال داشتند ، لوح مبارک حضرت ولسی
امرالله ارواحنا فداه که بافتخارشان نازل شده
دلیل بارزی برخلوص و روحانیت این خانم
محترمه میباشند .

امه الله سرکار حاجیه بی بی صفیری طائف
الحرمین که دره آبان ماه سنه ۱۳۵۱ در سن
۹۲ سالگی بملکوت ابهی صعود نمود ، از ذوات
محترمی است که مدت متجاوز از پنجاه سال
بخدمات فرهنگی اشتغال داشت .

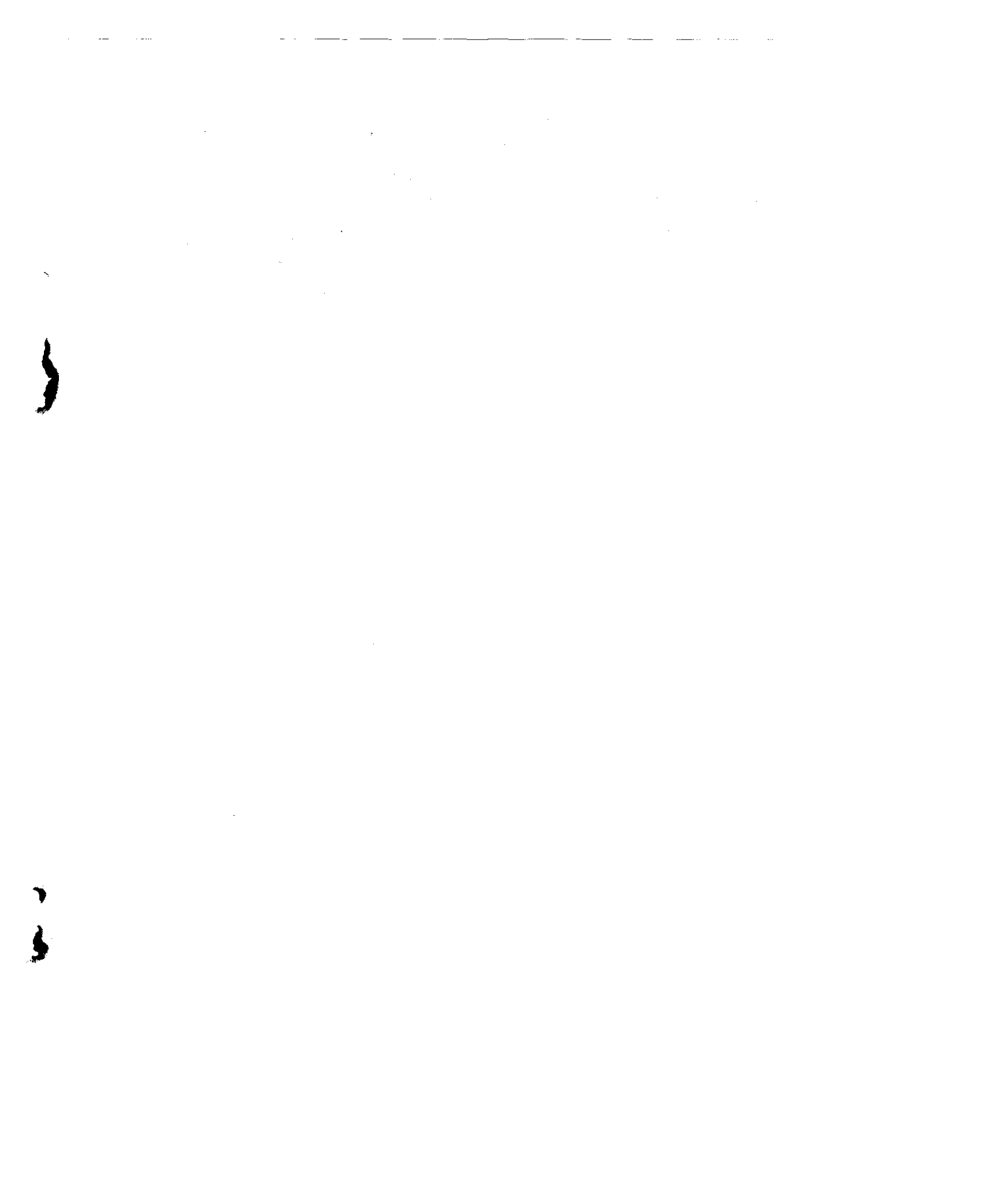
اولین دبستان و شیزگان را با اسم مدرسه
تربیت با اجازه وزارت فرهنگ در سنه ۱۳۲۶ شمسی
در یزد که همین مدرسه نسوان وجود نداشت
بدون کمک احدی تاسیس نمود . دختران یار
و اغیار در این دبستان باخذ تصدیق ششم
ابتدائی موفق میشدند و خیلی مورد تقدیر و
تمجید رؤسا و نفوس معارف پرور یزد بودند . بی
خانم حاجیه بی بی صفیری در اوائل جوانی
تصدیق بامر مبارک نمود و در ضوضاء معروف
یزد سال ۲۱ خود و شوهرش مورد ایذاء و اذیت
اعدا واقع شده و صدمات و زحمات بی شماری -
تسحمل نمودند و بالاخره مجبور به ترک یزد شدند
و قصد زیارت مکه و بعد اعتاب مقدسه عکا و حیفا
نمودند و بحضور مبارک حضرت عبدالیهاء و حضرت
ورقه علیا رسیدند و مدت دو ماه مشرف و بلقب



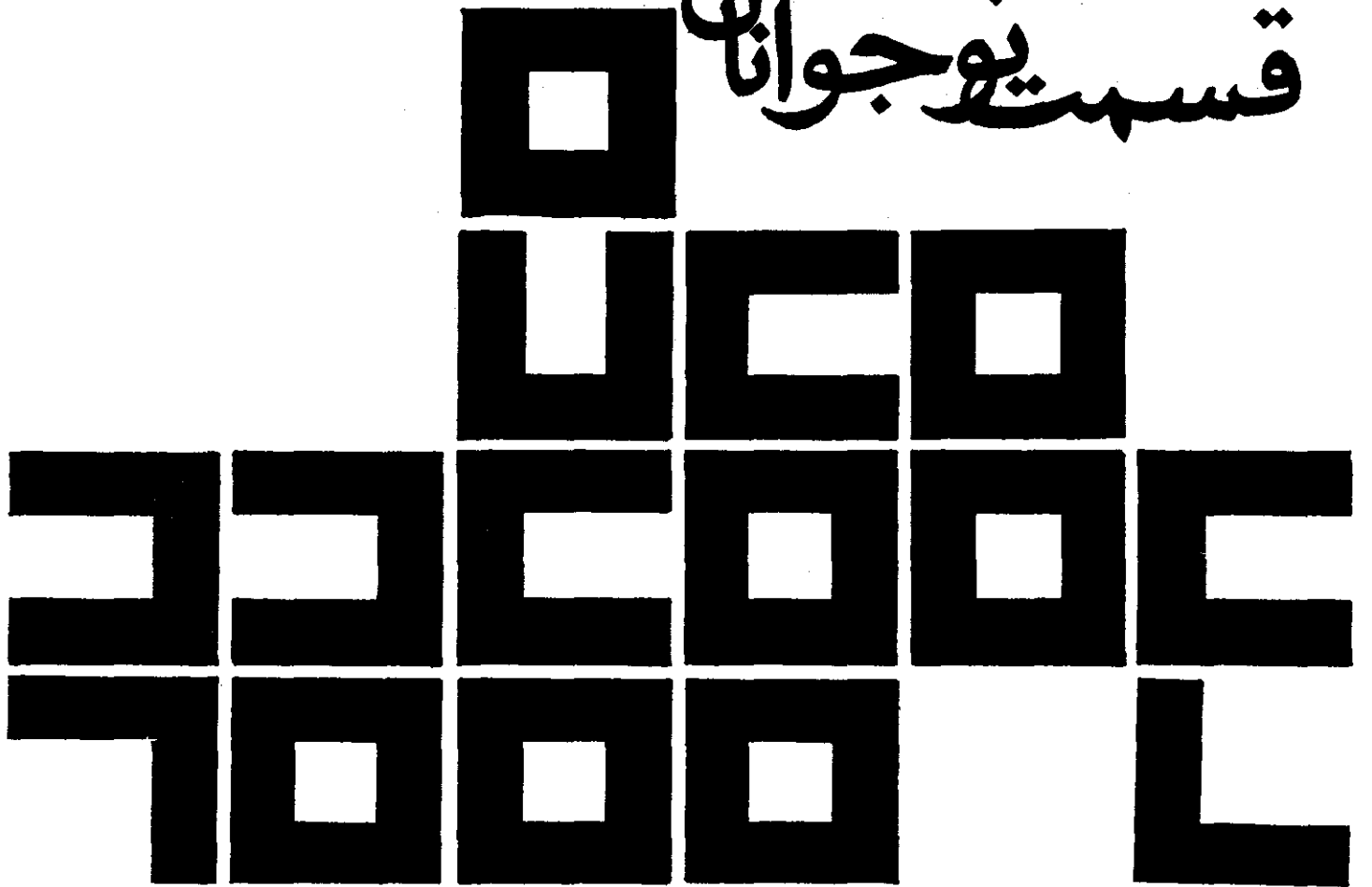
طهران انستیتو حاجیربی بی صغیر الخائف الحزین علیها السلام

۱۳۱۰
 عرفیه نعتی ای آن کبریاستان مقدس الهی نوروز ۱۶ مرداد
 بمحافظت شفقت و درباری حضرت ولی امرته اردو خانزاده خانزاد و آقا
 روحانیت و ثبوت و استقامت آن در دره نور و طاعت به از
 و کرامت وجود مبارک فرین آنچه در احوال عدم مشنوبت
 ششلی مروض داشتن بودید در محضر انور معلوم از حق میطلبند تا
 مسائل و اسباب کار افضل و عنایت پروردگار برای
 فراموش آید و بجزایات و اموری که موجب تربیت درگاه کبریا
 و رضای استگنان یعنی ثابت است موفق و توفیق شریف
 خدات امیر آن انستیتو در دره نور تربیت یزد بود محسن و جواد
 مبارک بوده است در حال سردی و در دره نور تربیت یزد بود محسن و جواد
 کمال عطف حضرتان باشد جناب لایسید خانم
 و جناب لایسید خانم بوی و امیرته خانم سلطان صلح بوی
 طراز از لسان شفقت و کور شدند و طلب موفقت برت
 از درگاه احدیت در حق آن نفوس ثابت در این سینه ما بیند

عشور القدر ۹
 ۱۹۳۶
 حب انام مبارک مرقوم کرده
 ذوالحججه



قسبت نوجوانان



... آغاز گفتار پیرستش پروردگار است
و این پس از شناسائی است . چشم
پاک باید تا بشناسد و زبان پاک باید
تا بستاید . امروز روهای اهل دانش
و بینش سوی اوست بلکه سویها
را جهله رو بر سوی او

• حضرت بهی الله •

... ای بنده یزدان! روز کردار آمد، وقت
گشتار نیست. پیک پروردگار آشکار،
هنگام انتظار نه. چشم جان بگشا
تاروی دوست بینی. گوش هوش فرا-
دار تا ز مژه سر و ش ایزدی بشنوی ...

• حضرت بهاء الله •

● يك داستان کوتاه:

بنقل از کتاب گوهریكتا : در صفحه ۳۵

● مشعلداران عظمت:

گزارشی از سرزمینهای دوردست در صفحات ۳۶ الی ۳۸

● يك هفته در مدرسه تابستانه:

رپرتاژی از دوره جوانان مدرسه تابستانه

طهران در صفحات ۳۹ الی ۴۷

● نغمات آسمانی:

در صفحات ۴۸ و ۴۹

● موفقیت:

مصاحبه ای است با یکی از جوانان موفق بهائی

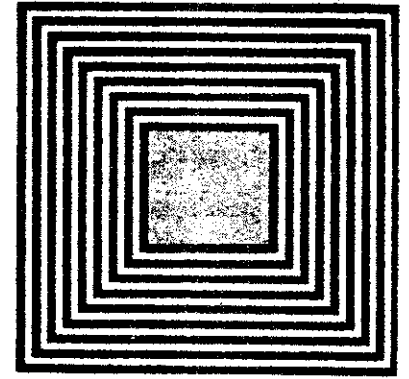
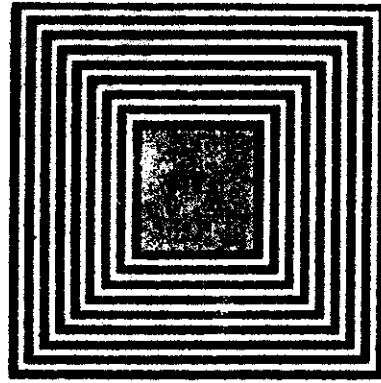
که در کنکور سراسری امسال دانشگاهها مقام

ممتازی را احراز کرده است . در صفحات ۵۰ و ۵۱

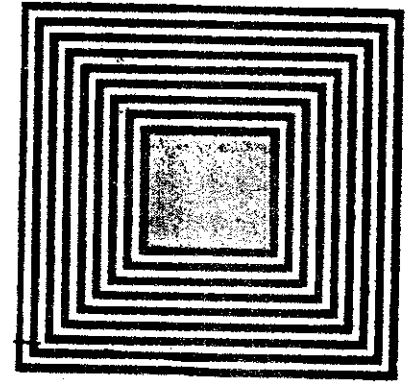
روزی در حضور حضرت عبدالبهمن^{است} کالسکه ای کرایه ای از اسکندریه به رمله میرفتیم در کالسکه یکی از پاشاهای بسیار محترم و موقر نیز حضور داشت ، ایشان میهمان آنحضرت بودند و بدین ترتیب بسوی منزل مبارک در رمله عازم شدیم . چون بمقصد رسیدیم و از کالسکه پیاده شدیم ، حضرت عبدالبهمن از راننده پرسیدند که چقدر باید کرایه مرحمت کنند راننده خیلی خیلی زیاد تر از حد معمول درخواست کرد . حضرت مولی الوری درخواست او را رد فرمودند . راننده قوی هیگل از جا برخاست و بالحنی بسیار جسارت آمیز آغاز سخن کرده پائین آمد و کمر مبارک را سخت گرفت و بانهایت قوت هیگل مبارک را حرکت میداد و هرچه دلش میخواست میگفت . حضرت شوقی افندی که نهالی تروتازه بودند از این پیش آمد ناگوار مخصوصاً در برابر آن میهمان بزرگوار بی نهایت نگران و خاطر لطیفشان افسرده گردید و چون طفل کوچکی بمیش نبودند و قدرت حمایت در خود نمی دیدند بوحشت افتادند ولی حضرت عبدالبهمن ابداً تغییر حالت ندادند و در کمال آرامی و وقار در مقابل هجمات آن متجاسر ایستادگی فرمودند و بالعمره از اعطای درخواست وی امتناع ورزیدند . بالاخره راننده کمر مبارک را رها کرد و حضرت عبدالبهمن آنچه حقش بود بوی داده فرمودند : بعلمت این رفتارناهنجار خود را از انعامی که در نظر داشتم بتو بدهم محروم نمودی ، و بانهایت سکون و آرامی با میهمان خود وارد منزل شدند

نقل از : گوهر بکتا

یک داستان کوتاه



مشعلداران عظمت



نوشته: ا. ک. فرودی
ترجمه: زهره سراج

مهاجر و واسود وان عزیز
در ناپرویی اقامت دارند . مقدمات سفر را مهیا
کرده و به ناپرویی رفتیم . ایشان را در هتل
ملاقات کردم ، حق شاهد است که با در آغوش
کشیدن آن عزیزان ، آنچنان قوای جدیدی
در جانم دمیده شد که رنج راه بکلی از جسمم
خارج شد . قرار بود در شانزدهم سپتامبر
۱۹۷۲ کنفرانسی در ناپرویی برگزار شود ، با
خوشحالی از این موقعیت استقبال کردم ، محل
اجتماع سالن زیبایی بود و بحضور دکتر مهاجر
و بسیاری از احباء مزین شده بود . قریب
به دویست نفر در این کنفرانس حضور داشتند
که اعضاء هیئت مشاورین قاره آفریقا ، مبلغین
سیار و واسود وان از جمله آنها بودند . در
آغاز کنفرانس پنج مناجات بزبانهای مختلف
محل آفریقائی تلاوت شد که هر یک کافی بود
انسان را بسرحد انقطاع و ایمان سوق دهد

خورشید پر حرارت و سوزان در آسمان
میتابید ، گرمای هوا بقدری شدید بود که
بدرستی قادر نبودم چشمهایم را باز کنم
غبار سحر دستهایم را پوشانده بود و مرا بی
اختیار بیلد خون پاک شهادتی می انداخت
که در راه تبلیغ و ترفیع امر حضرت محبوب بجان
باختند .

در زیر اشعه خورشید راه می پیمودم
و مصائب بی انتهای راکه در این سرزمین بر
جناب حاجی میرزا حیدر علی وارد آمده بود
بیاد می آوردم . پرتو خورشید طاقت از من
روده بود و فقط یاد آن عزیز بمن نیرو و تسکین
میداد تا براه خود ادامه دهم . غرق در افکار
بودم که یکی از دوستان بهائی از راه رسید
و با وسیله نقلیه خود مرا بمقصد رساند .
اطلاع یافتیم که ایادی امرالله جناب دکتر



مناجاتهای دیگری نیز بوسیله احبای فیلی بین
و مالزی و مناجات‌هایی نیز بزبانهای اندونزی
و فارسی تلاوت شد. تصور میکنم هرگز قادر
نخواهم بود روحانیت خاص آن جلسه و احساسات
خویش را تشریح کنم.

درابتدا خانم صبری، شروع به صحبت
نمودند و روپائی را که در زمان حضرت ولی امر^{لله}
دیده بودند شرح دادند. ایشان گفتند:
هنگامیکه در آفریقا سرگرم مهاجرت بودم، شبی
در خواب دیدم که برای تقاضای کمک به امر
تبلیغ، بملاقات حضرت ولی امرالله رفتم ولی
بسبب مشاغل فراوان هیکل مبارک، موفق
بزیارتشان نگردیدم، در عرض حضرت روحیه
خانم راملاقات کردم و ایشان بمن فرمودند
مگر نمیدانید که تمام پیامبران حق در ملکوت
منتظرند که شما را مدد کنند؟ خانم صبری
اضافه کردند، این روپائی است که امروز تجسم
آن برای همه شما آسان است، میبایست
درهای آسمان را با ادعیه خود بگشائیم
سپس دکتر مهاجر، ایادی امرالله رشته
سخن را بدست گرفتند و بالحن گیرای خود
حاضرین را مخاطب قرار داده و گفتند، مبلغین
سپارکهد ستور بیت العدل اعظم الهی باین
سرزمین آمده اند و اکنون در اینجا حاضرند
از شنیدن کلام الهی به لهجه‌های مختلف
آفریقائی فیلی بین و اندونزی غرق فرح و سرور
گردیدند، از ایشان تقاضا دارم مراجعت
نکنند، در این جا بمانند تا بتوانند در
کنفرانسهای بعدی به مناجاتهای ژاپنی و
چینی نیز گوش فرادهند. برنگردید چون
امکان دارد دیگر چنین فرصتی دست ندهد
و محروم بمانید. بعد اضافه کردند، باید
سرور باشید چون بیت العدل اعظم بمن

فرمودند مهاجرینی که برای خدمت به قاره آفریقا
آمده اند، فقط مددکار احبای آفریقا نیستند
آنان در این راه، جاذب برکات حق نیز میباشند
بدون شك مجاهدات این گروه، سرمشق نسلیها
آینده خواهد بود، احبای آفریقا آنچنان مشتاق
که اگر فقط خط مشی را بآنها نشان دهیم هرگز
از کوشش باز نخواهند ماند، حال وقت آنست
که ساکنان این سرزمین گروه گروه بامر مبارک
داخل شوند.

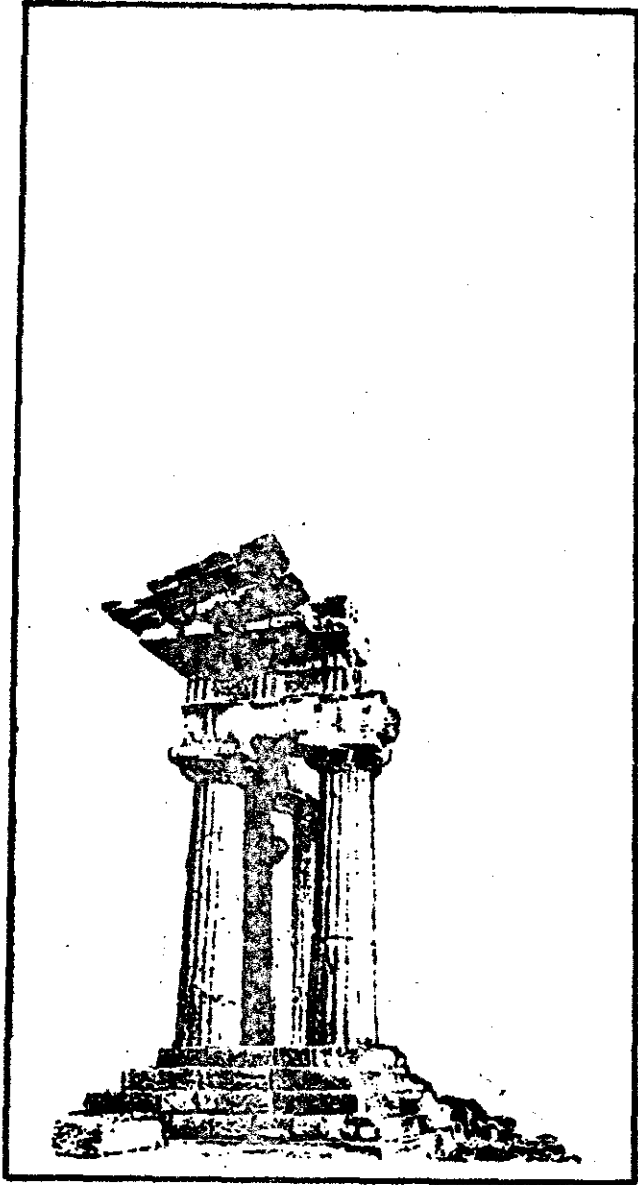
در این وقت یکی از احبای آلاسکا برخاسته
و گفت در آلاسکا دهکده‌ای است که همه اهالی
آن بهائی اند. دکتر مهاجر در حالیکه از این
خبر به شعف آمده بودند، اظهار داشتند
چه عالی، جمعیت این دهکده چقدر است؟ و
او در جواب گفت: خوب... بهر صورت بیش
از هفت نفر در آن دهکده نبودند و من همه
آنها را تبلیغ کردم، دکتر مهاجر سپس بیان
داشتند، وقت آن رسیده که شما یک شهر را
بهائی کنید و بدانید که اگر واقعا "مصمباشید
موفق میشوید. شما باید تصمیم بگیرید که یک
مدرسه را بهائی کنید و فقط چند شاگرد اکتفا
نکنید، هدف شما باید این باشد، تمام دهکده
تمام شهر، اگر موفق شوید تمام اهالی یک دهکده
یا یک شهر را بهائی کنید، مناطق دیگر خود
با استقبال امر مبارک خواهند شتافت، تعالی
نوع انسان فقط از راه اتحاد قابل حصول است.

سپس خانم صبری بعنوان رئیس کنفرانس
اضافه کردند: ما از بیت العدل اعظم سپاسگزار
که هر چند وقت یکبار جناب دکتر مهاجر را برای
راهنمایی ما در زمینه برنامه‌های آینده تبلیغی
باینجا میفرستند. ایشان سپس مجاهدات و
خدمات واسود وان را ستودند و اضافه کردند
که کنیا بدون وجود واسود وان قادر نبود نقشه

خود را عملی سازد . بعد از وی خواستند که
 برای حضار صحبت کنند .
 در این هنگام کف زدنهای قریب بسه
 دو بیست نفر ، واسود وان را به پشت بلند گسو
 دعوت کرد ، و او بالحنی شیرین چنین آغاز
 نمود : حقیقت اینست که سخنان جناب دکتور
 مهاجر در من روحی تازه دمید ، فی الواقع این
 تعجیبها برای تشویق منست و من جز شرمساری
 چیزی ندارم . همانطور که دکتور مهاجر فرمودند
 آنها نیکه افریقا را در اهداف مهاجرتی کمسک
 کردند ، به معالک خود نیز حرکت رساندند . من
 شخصا عشق دوستان عزیز افریقا شیم راهر کجا
 که بروم در دل خواهم داشت و هرگز قادر به
 فراموش کردن نشان نیستم . سپس نوبت بسه
 مبلغین سیار رسید که هر یک گزارشی از فعالیتهای
 خود بدهند .

ابتدا یک مبلغ هفتاد ساله آغاز به سخن
 نمود و گفت که برای ملاقات گروههای مختلف
 روزانه سیزده الی چهارده ساعت راه پیمائی
 مینموده و این مطلبی بود که همه حضار را
 منقلب ساخت ، سپس یک استاد جوان فیلیپینی
 که از فعالترین و روحانیترین احبا حاضر بود
 سخنرانی نمود و رابند ابمعرفی پدر خود پرداخت
 و این مسأله همراهی خنده و داشت ، چون
 پدرش از او جوانتر بود ، در واقع پدر روحانی
 او یکی از دانشجویان کالجی بود که او در آن
 تدریس میکرد و آن پسر جوان امر الهی را به
 استاد خود ابلاغ کرده بود . همسر آن استاد
 نیز در همان کالج تدریس مینمود و او نیز همچون
 شوهر ، قلبش بنور ایمان روشن شده بود .
 محلی بود بینهایت روحانی که از همسار
 باغ محبت الله در هر گوشه آن چشم میخورد .
 حضار آن جلسه ، همان سپاه آسمانی بودند

که پیامبران خداوند دارند همانها که
 آب حیات در دست به احیاء مردگان برخاسته
 آنها که شعله های عشق در قلبشان زیانسه
 میکشد . آنها که قدرتشان دلهای تیره را به
 افنده نورانی مبدل میکند .
 ما هم میتوانیم باین مقامات فائز شویم
 فقط باید برخاست و با توکل به جمال مبارک
 پیش رفت .

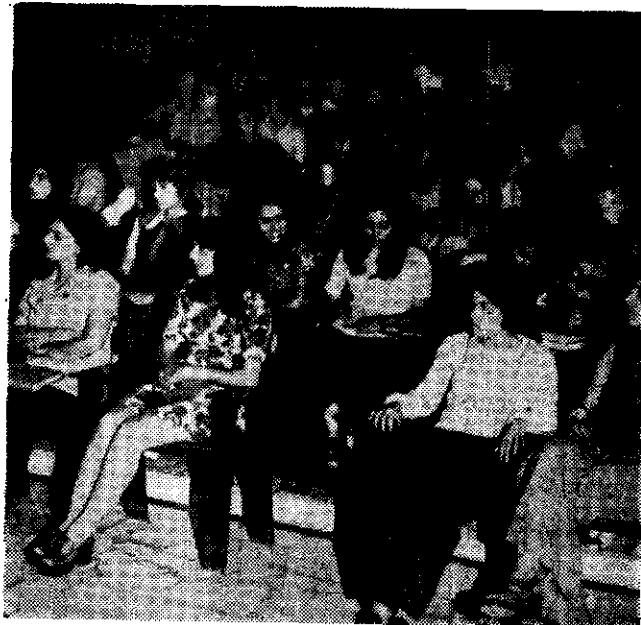


تهیه و تنظیم از: سهراب روشن

يك هفته

در مدرسه

تابستانه



بطوریکه میدانید مدارس تابستانه برای اولین بار در آمریکا جهت تزئید معلومات احیا تا سیس و سیس با استقبال سایر جوامع بهائی در سراسر جهان مواجه شد و عمومیت یافت . حضرت ولی محبوب امراه در اهمیت این مدارس میفرمایند :

" جهان بدون تردید امروز در معرض بحران عظیمی است و شرایط اجتماعی اقتصادی و سیاسی ، هرروز صورت پیچیده تری بخود میگیرد . اگر یاران ما یلند که در طریق روشنی و هدایت افکار جهانیان رهبرو پیشرو باشند ، بایستی کار را با خود آموزی و توسعه معلومات امری خویش آغاز کنند و به ریشه گرفتارها و مسائلی که امروزه وسیله اشتغال ذهن مردم روزگار ما فراهم آورده است ، پی برند ."

"بدون شك مدارس تابستانه ، برای انجام این منظور بهترین و مناسبترین فرصت را فراهم مینمایند ."

(۱)

جنبه های مختلفه مدارس تابستانه :

سه کیفیت مهمی که در برنامه هئسای مدارس تابستانه مد نظر است ، روحانیت آموزش و تفریح میباشد و شرط اصلی ترکیب متنا این کیفیات است .

حضرت ولی امراه در توفیق مورخ ۱۵ اوت

۱۹۳۸ بجوانان بهائی لوهلن میفرمایند :

" . . . در حقیقت شما در این مدرسه سه جنبه مهم روحانی ، آموزشی و تفریحی را که ارکان اساسی هر مدرسه تابستانه بهائی است

(۱) از توفیق مبارک خطاب به یکی از یاران که

در مجله اخبار امری آمریکا شماره ۶۳ ژوئن

۱۹۳۲ صفحه ۳ درج گردیده است .

ملحوظ داشته اید . این مؤسسه مهم امری فقط با ترکیب متناسبه اصل میتواند بتماسی اهدافی که برای آن تعیین شده است نائل آید و وظیفه ای را که از لحاظ توسعه معلومات تهییج ذوق و همت احیا و تعمیم اصول مؤلف در میان افراد هر یک از جوامع بهائی برعهده دارد ، بانجام رساند

مطالب مهم و خواندنی در خصوص مدارس تابستانه ، اهمیت مدیریت ، برنامه هفتاد و فعالیتهای جوانان در آثار مبارکه خصوصا در جزوه ای که اخیرا " بدستور بیت العدل اعظم الهی تهیه و نشر گردیده ، بسیار است و نیازی به تکرار آن نیست (۱) ، چه در اینجا مراد شرح مختصری است از دو مین دوره مدارس تابستانه ایران در سال ۱۳۰ بدیع که در حد یقه طهران منعقد گردید . تعداد شرکت کنندگان در این دوره بالغ بر ۱۴۰ نفر بودند که اکثریت بیجا جوانان و نوجوانان طهران و اقلیت باشهرستان بود . طبق قرار قبلی رأس ساعت مقرر ، شرکت کنندگان در محل تعیین شده حاضر گردیدند و با اتوبوسهایی که برای این منظور در نظر گرفته شده بود ، بمحل مدرسه عزیمت نمودند . بمحیی ورود ، شرکت کنندگان وسایل خود را بخواهگاهها مشخص حمل نمودند . در آنروز برنامه خاصی نبود . آسمان بتاریکی میگرایید ، هوای شفاف نسیم ملایم و رایحه گلهای حدیقه بر روحانیت جمع جوانان پرشور میافزود . برنامه روزانه مدرسه اجمالا بدینگونه تعیین شده بود . ساعت ۶ بامداد بیداری ، ۶½ الی ۷½ مشرق الاذکار

۷½ الی ۸½ صرف صبحانه و وقت آزاد ، ۸½ الی ۱۰½ کلاس ، ۱۰½ الی ۱۱ وقت آزاد ، ۱۱ الی ۱ بعد از ظهر کلاس صرف ناهار و استراحت و وقت آزاد ، ۴ الی ۶ کلاس ، ۷ صرف شام و از ساعت ۸ الی ۱۰ بعد از ظهر برنامه های هنری و تفریحی و سپس استراحت .

● ۱ - برنامه مشرق الاذکار : اسامی مجربان برنامه مشرق الاذکار که اختصاص به تلاوت مناجاتهای مبارک حضرت نقطه اولی حضرت بهاء الله ، حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امر الله ، قسمتهایی از کلمات مکتوبه ، هفت وادی و یا دریای دانش دارد ، قبلا توسط کمیسیون مشرق الاذکار تهیه و بهر روی تابلو سیاه درج شده است . این دوستان هر یک بالحان طکوتی ، مناجاتها را بزبان های فارسی عربی ، انگلیسی ، آلمانی و ترکی به مصداق فرموده اگر از لغات مختلفه عالم عرف ثنای تو متشوع شود همه محبوب جان و مقصود روان تلاوت و سایر برنامه ها را اجرا مینمایند ، سپس خاطره تاریخی شیخ طهرسی زنده میگرد و کلمه حاضرین که تا حال توجه تام به مناجاتها و آثار مبارک داشته اند ، همصدا نغمه روحبخش " سبح قدوس ربنا ورب العالمانکه والروح " را باوج میسازند و این برنامه هر روز با تغییراتی اجرا میگردد ، چه این مهمترین قسمت روحانی هر دوره مدرسه تابستانه است که طی آن از درگاه الهی طلب تابد و روحا بیشتر میشود .

(۱) رجوع شود به جزوه مدارس تابستانه بهائی ترجمه دستخط . ۱ آوریل ۱۹۷۲ بیت العدل اعظم الهی .

● ۲ - برنامه کلاسها : برنامه‌های کماز طرف لجنه ملی مدارس تاپستانه تنظیم شده است شامل مباحث تاریخی در عهد اولی ، ایهی و میثاق ، عصر رسولی و عصر تکوین و مباحثی پیرامون دین و تاء شیر آن در مد نیت انسانی ، روشهای تبلیغی ، معرفی کتاب مستطاب اقدس موقع کنونی امر در جهان و ناموس اعظم میباشید که بوسیله اساتید مدعو تدریس میگردد و در خاتمه سؤال و جواب و بحث پیش بینی شده است . بعنوان نمونه قسمتی از برنامه کلاس روشهای تبلیغی ذکر میگردد .

استاد باشوح طبعی و سروری زائد الوصف در قائق نهفته در آثار مبارک را در خصوص روش تبلیغ بصورت دستورالمحلهاش ذکر میکنند :
 " بدترین نوع تبلیغ ، بحث وجدل با طرف است بهیچکسر اعتراض نمائید ، مبارک گفته شود دستو فلان مسلك قابل اجرانیست ، عقیده طرف مقابل را هرچقدر هم که کهنه باشد ، محترم داریند ملاحظه در لوح مبارک حضرت عبدالبها نمائید که میفرمایند :

بعد حاضرین در جلسه که بالغ بر ۱۴ نفر میباشند ، به ۱۴ گروه ۱۰ نفری تقسیم میگرددند و هر گروه عهده دار مطالعه یکی از الواح فرامین تبلیغی حضرت عبدالبها که در مکاتیب مبارکه جلد سوم مندرج است ، میشوند و روز بعد از هر گروه نماینده‌های انتخاب شده و خلاصه مطالعات گروه مربوطه را جهت اطلاع عموم گزارش میدهند .
 ذیلاً بعنوان نمونه قسمتهاش از گزارش یکی از گروهها را که موفق بزیارت لوح شماره ۷ و تجزیه و تحلیل آن شده اند ، درج میکنیم .
 در این لوح که بافتخارا حبا و اما الرحمن

(۱) مکاتیب جلد سوم صفحه ۸۰ .



محافل و مجامع ایالات متحده و کانادا، دریا از ۳ آوریل سنه ۱۹۱۶ از مرکز میثاق صادر گشته است، حضرت عبدالبهاء ضمن تشویق و تهنیت احبای امریکا و بشارت به افتخارات آتی آنان که ناشی از مجاهداتشان در زمینه توسعه دامنه امر در اقطار جهان است، در خصوص اهمیت تبلیغ و نقشی که جوانان بعهد دارند میفرمایند: "ایکاش از برای من میسر میشد که پای پیاده ولو کمال فقر بآن صفحات مسافرت مینمودم و نعره زنان در شهرها و دهات و کوه و بیابان و دریا، یا بهاء الاهی میگفتم و ترویج تعالیم الهی مینمودم، ولی حال از برای من میسر نه، لهذا در حسرتی عظیم هستم، بلکه انشاء الله شماها موفق گردید"

از جمله شرایطی که برای تبلیغ بیگان میفرمایند، موارد زیر است:

- ۱ - دانستن زبان محلی که مهاجر بآن سفر مینماید.
- ۲ - انقطاع از ماسوی الله.
- ۳ - تنزیه.
- ۴ - تقدیس.
- ۵ - دارا بودن قلبی مالا مال از محبت انسانی.

"جمعی زبان دان، منقطع، منزّه، مقدر، مطو از محبت الله، توجه بسه دسته جزائر . . . نمایند."

- ۶ - داشتن قلبی مطو از محبت الهی.
- ۷ - داشتن لسانی ناظر بذکر الله.
- ۸ - توجه تام بملکوت الله.

" و بقلبی طافح به محبت الله و لسانی ناظر بذکر الله و دیده‌ئی متوجه بملکوت الله ناسرا بظهور رب الجنود بشارت دهند"

- داشتن همت بلند.

"دائره همت باید وسیع گردد، هر چه وسیعتر شود، موفقیت بیشتر گردد."

۱ - تعالی آمال و آرزوها.

"باید آرزوی حیات ابدیه و علویت عالم انسانی و ترقیات ربانی و فیوضات کلیه آسمانی و نفعات روح القدس و اعلاء کلمه الله و هدایت من علی الارض و ترویج صلح عمومی و اعلان وحدت عالم انسانی نمود، کار این است و الا باید بسایر وحوش و طیور باین حیات جسمانی که نهایت آمال حیوانات است، پرداخت و مانند بهائم در روی زمین محسور شد."

۱۱ - درک معنی حیات.

"پس واضح است که انسان بجهت زندگانی این حیات دنیا خلق نشده است بلکه انسان بجهت فضائل نامتناهی و علویت عالم انسانی و تقرب درگاه الهی و جلوس بر سریر سلطنت ابدیه خلق شده است."

۱۲ - اطمینان به کشف استعداد.

"باری این حرب جانسوز نه چنان آتش بقلوب زده که وصف داشته باشد و در جمیع اقالیم عالم آرزوی صلح عمومی، مضر ضائرهاست، نفسی نمانده که آرزوی صلح و سلام ننماید. استعداد عجیبی حاصل، و این از حکمت بالغه الهی تا استعداد حاصل شود و علم وحدت عالم انسانی و اساس صلح عمومی و تعالیم الهی در شرق و غرب ترویج یابد . . . درخاته این لوح مناجاتی بلسان عربی زیارت میشود که طی آن مبلغ از درگاه الهی طلب احراز شرایط زهرا مینماید:

۱۳ - انجذاب بملکوت الله و اشتغال

بنا بر محبت الله.

۱۴ - توکسل .

۱۵ - ترك راحتى و آسائش زودگذر نيمو.

۱۶ - ترك موقف خود بمنظور نشر تعاليم

الهي .

۱۷ - خضوع و خشوع به عتبه عليا و جبروت

عظمى .

۱۸ - دعا و مناجات بدرگاه الهي .

"الهي الهي تراني والها منجذبا" الي ملكوتك الابهى و مشتعلا بنا رحمبتك بين الوري و مناديا بملكوتك في هذه الديار الشاسعة الارجا منقطعا فاسواك ، متوكلا طمسك تاركا الراحة والرخا بعيدا عن الاوطان غربيا طريحا علي التراب خاضعا الي عتبتك العليا ، خاشعا الي جبروتك العظمى مناجيا فسي جنح الليل و بطون الاسحار متضرعا متتهلا في الغدو والاصال .

حائزين اين شرايط چه ثمرى چينند ؟

"... يقين بدانيد كه در هر محفلى

داخل شويد ، در اوج آن محفل روح القدس

موج ميزند و تا ثيدات آسمانى جمال مبارك احا

ميكنند ، اين صرف از تا ثيدات رب الجنود و

نفثات روح القدس است ، حال موفقيت شما

هنوز معلوم نگشته ، عنقریب خواهيد ديد كه هر

يك مانند ستاره هاى درى درخشنده در آن

افق نورهدايت بخشيديد و سبب حيات ابد په

اهل امريك شديد ."

استاد در خاتمه آلبوم بديعى را كه سليقه

خاصى در آن بكاررفته است بحاضرين نشان

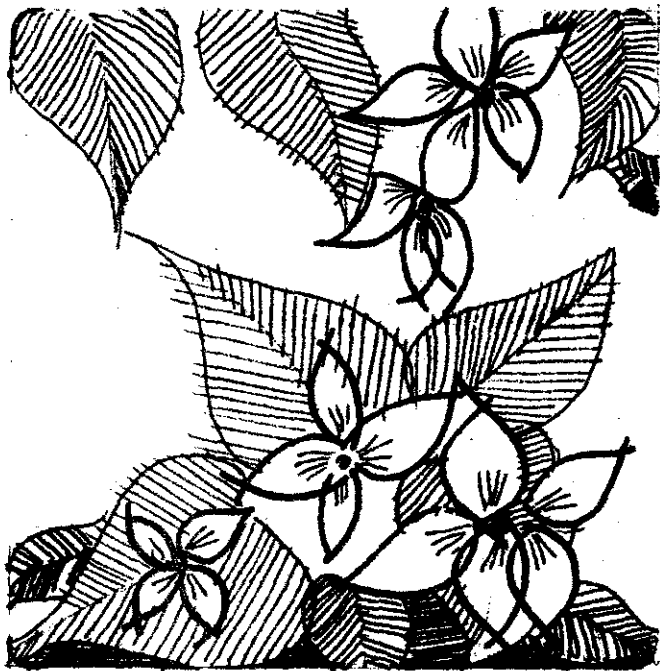
ميدهند و آن آلبوم تهليغى است . صفحه اول

باتصويرى از روضه مباركه ، شمايل مبارك حضرت

عبدالبها ، مقام اعلى و دارالآثار تزئين يافته

است . بديهى است در خصوص هريك بزبانى

ساده ، متحرى حقيقت را بايد آگاه نمود . در



صفحات بعد تصاویر مشارق الانکار بهائیی در قارات مختلفه عالم، اماکن تاریخی و زوایای از کنفرانس‌های بین القارات نظیر اجلب مینماید ملاحظه فرمائید که برای يك طالب حقیقت، توضیحات توأم با تصاویر و محبت بهائی اثر بر مراتب بیشتری نسبت به نطق و خطابه صرف خواهد داشت، يك شخص منصف وقتی بصفحه آخر آلبوم میرسد محلی برای انکار و استیحااش نمی یابد و این حقیقتی است که استاد عملاً تجربه نموده اند. در اینجا به قسمت ضمیمه آلبوم میرسیم که منتخباتی از خطابات حضرت عبدالهیا، بچشم میخورد. در این مرحله مبتدی شائق فرصت مطالعه و غیر در مفاهیم اجتماعی روحانی و اخلاقی امر را میابد.

● ۳ - برنامه تفریحات و ورزش :

در این دوره برنامه مشخصی جهت این منظور تنظیم نگردیده بود و جوانان سعی میکردند از امکانات ورزشی، هنری، تفریحی و خصوصاً فضای روحانی و محیط طکوتی مدرسه، استفاده کنند.

● گفت و گوئی با چند تن از شرکت کنندگان مدرسه :

در آخرین روز با چند تن از شرکت کنندگان که غالباً نوجوان بودند، مصاحبه‌ئی صورت گرفت. که زیلاً از نظر آنان خواهد گذشت.
خانم هاله لقائی از طهران : شرکت در این مدرسه تابستانه برای من تجربه بزرگی بود چه علاوه بر کسب معارف امری و معاشرت با دوستان بهائی، برای اولین بار بمن فرصت جدا شدن از محیط خانواده را داد.

الهیه امیدى از طهران : فکر میکنم مدارس تابستانه ما راه تکاملی خود را میبماید و از خیلی جهات برای من مفید بود، یکی اینکه مرا با مهاجرت که قبلاً توجه زیادی بآن نداشتم، بسیار علاقمند ساخت، همچنین بمطالعه کتب و آثار بهائی تشویق شد. هر بایستی از آن کنم که از حضور استادان استفاده زیادی بردم.

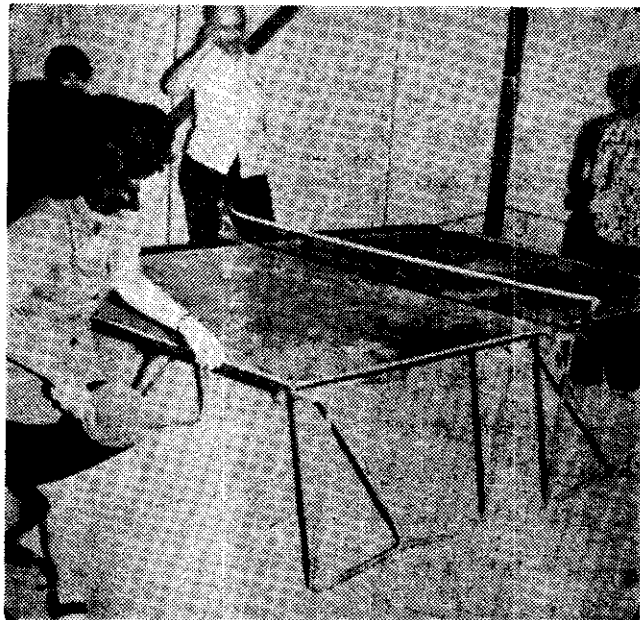
محبوبه محبوبی از اصفهان : از کلاسها و محیط آن که امکان کسب معارف امری و آشنائی بانوجوانان و جوانان عزیز بهائی نقاط مختلف ایران را میداد، استفاده شایان بردم.

محبوبه محبوبی از اصفهان : از محیط بهائی اینجا لذت بردم، از کلاسها نیز استفاده زیاد نمودم ولی فکر میکنم بهتر باشد در ساعات آزاد گروه‌های مختلفی در زمینه‌های مختلف هنری و فکری تشکیل و جوانان متناسب ذوق و علاقه خود هر يك در گروهی فعالیت نمایند.

افسانه مشکی از طهران : من از کلاسها خصوصاً کلاسهای عصر تکوین و معرفی کتب مستطاب اقدس استفاده زیاد نمودم. در خصوص برنامه های تفریحی و آزاد بایستی بگویم برنامه ای که کلبه شرکت کنندگان را جلبیب و سرگرم کند و از هنرمندان متعددی که در جمع وجود داشت حداکثر استفاده را ببرد. اینست که ویرا کندی فعالیتها مشهود بود. با این حال من با گروهی از دوستانم ایام خوشی را گذراندم.

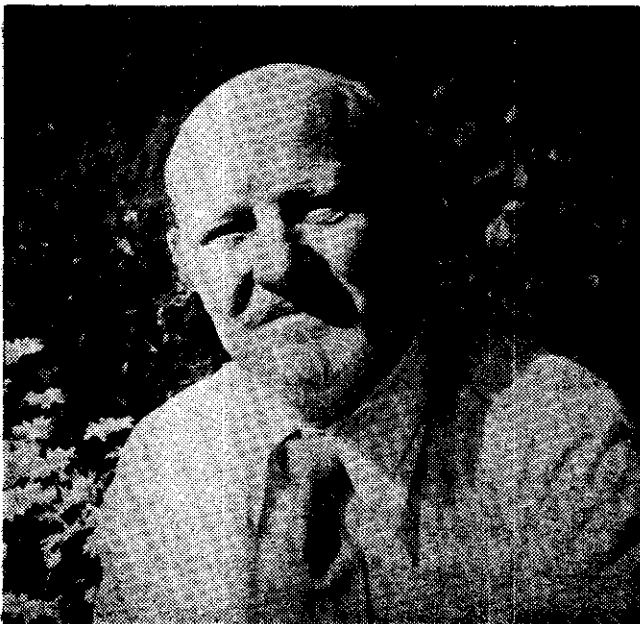
فریدون خلوصی از طهران : از کلاسها خصوصاً مباحث عقلی و استدلالی استفاده شایان بردم در مورد برنامه های تفریحی بنظر می‌رسد بهتر باشد کلوب های مختلفی

از جمله کلوپ نقاشی ، موسیقی ، تئاتر ، شطرنج و تیمهای ورزشی تحت نظارت کمیسیون های مربوطه تشکیل و نظارت شود تا فعالیت های جوانان بهدر نرود و از نتایج مطالعات هر گروه سایر گروهها استفاده نمایند . مدرسه از نظر محیط اجتماعی خوب بود .



امرالله معصومیان از بابل سر : از کلاسها خصوصا " کلاس عصر تکوین ، موقعیت کنونی امر و دیانت و مدنیت استفاده زیاد نمودم . بنظر این جانب بهتر است زمان کلاسها کوتاهتر و در عوض فرصت مطالعه شخصی جوانان طبق برنامهها تنظیم شده بیشتر باشد . با تشکیل گروه های هنری در ساعات آزاد موافقم .

نسرین فروغی از آبادان : من برای اولین بار در مدرسه تاهستان شرکت مینمایم ، این مدرسه فرصت بسیار مناسبی جهت آشنائی با دوستان بهائی سایر شهرستانها را فراهم فرام نمود ، از کلاسها استفاده کردم همچنین مینمایم برنامه تفریحی و هنری تحت نظارت و ارشاد یک کمیسیون هنر قرار گیرد .



مرجان هادی پور از شیراز : من نیز برای اولین بار در این مدرسه شرکت مینمایم بدیهی است در این چند روز تجربیات زیادی در یقینتی در زمینه های مختلف امری و اجتماعی کسب نمودم و خاطره آنها فراموش نخواهم کرد .
نغمه ایمانی از ساری : از کلاسهای که در آنها شرکت نمودم ، خصوصا " کلاس روشها تبلیغ استفاده زیاد کردم و روح جدیدی در کالبدم دمیده شد . نکتهای که از گفتنش ناگزیرا این است که بیشتر با دوستان همشهریم بودم چه برنامه های همگانی که باعث آشنائی بیشتر جوانان باهم شود ، کمتر اجرا میشد .
ژاله والا پور از ساری : من از کلاسها

بهره زیاد بردم ولی فکر میکنم در صورتیکه از روشهای آموزشی، سمعی و بصری بیشتر استفاده شود، نتیجه بیشتری خواهد داشت پیشنهاد دیگری که دارم پخش آهنگ ها و سرودهای بهائی در اوقات تفریح و فواصل بین کلاسها است.

امرالله توانگراز طهران : من بطور کلی از این دوره مدرسه استفاده زیاد بردم ولی مسائلهای که جلب توجهم را نمود اختلاف سطح (بیشتر از نظر سنتی) شرکت کنندگان بود که در کیفیت مطالب درسی تا شیر مینمود، پیشنهاد میشود حتی المقدور در هر دوره گروههاییکه از نظر آموزشی اختلاف سطح زیاد ندارند شرکت نمایند و در این امر بررسی بیشتری شود در خصوص برنامه های هنری پیشنهاد مینمایم لجنه هنر برنامه های خصوصا برای ارائه در وقت آزاد شبها قبلا تهیه و اجرا نمایند ضمنا در خصوص برنامه کلاسها فکر میکنم بهتر است کلاسها یکی در آن خود جوانان بیشتر فعالیت مینمایند و با تشکیل گروههای مطالعه بتحقیق می پردازند، تشویق شود.

در این جا بد نیست که با میهمان و استاد عزیز امریکائی آقای ادوار شلسینگر که ظاهرا مسن ولی در شور و حال و سرور بسیار جوانان همگام بود، آشنا شویم و اندکی پای صحبت او نیز بنشینیم. از ایشان می پرسیم چطور شد که بهائی شدید وجه عاملی شما را باینجا کشانید؟

من از سنین نوجوانی علاقه زاید الوصفی به فلسفه های الهی و مادی نشان میدادم ولی هیچگاه معماهای عمده فلسفیم را حل شده نمی یافتم. روزی در بیست و سه

سالگی با یکنفر بشدت مشغول بحثی فلسفی بودم و بحث ما بیشتر بجدال مینمود، جوانی که شاهد این قضیه بود پس از اتمام صحبت ما با متانت و وقار خاص کتابی بمن داد که راجع به حضرت بهاء الله بود، مطالعه این کتاب تا شیر عمیق در تار و پود وجود من نمود بطوریکه در صد تحقیق و افزایش معلومات خود برآمدم، تا اینکه در بیست و چهار سالگی با مر مبارک اقبال نمودم.

چه امری برای یک نوجوان بهائی حائز اهمیت است؟

بنظر این جانب مهمترین امر برای یک نوجوان بهائی در مرحله اول شناسائی حضرت بهاء الله است چه که نوجوانی مرحله ای بسیار حساس و مهم در زندگی انسان است، در این مرحله است که مسیر زندگی را انتخاب مینمایم رشته مورد نظر خود مان را برمیگزینیم و دنبال میکنیم، شغل آتی خود را انتخاب مینماییم، لذا با شناسائی جمال قدم مسیر صحیح زندگی را یافته و فعالیتهای خود را بر اساس آن تنظیم مینماییم، من با افراد بالغ زیادی برخورد کرده ام که پیام حضرت بهاء الله را بعد از مرحله نوجوانی و او اخرجوانی استماع نموده و بجا نپذیرفته اند، همین افراد از عان نموده اند که یکا ش این پیام ملکوتی را در عنفوان نوجوانی می شنیدیم و برنامه زندگی خود را بر اساس آن تنظیم و پی ریزی مینمودیم.

دوستان نوجوان من، قدرت جمال مبارک اعجاب انگیز است، فکر کنید من قبل از آنکه بهائی شوم یک یهودی بودم یعنی به هیچیک از مظاهر مقدسه دیگر یعنی حضرت مسیح حضرت محمد، حضرت یسوا، کریشنا و غیره

ایمان نداشتیم ، اما بحضرت اقبال بامر مبارک کلیه آنها را شناختم و به حقانیتشان ایمان آوردم ، اینست قدرت بها^۱ الله که هزاران سال بی اعتقادی را در لحظه ای ایمان مبدل بسه اعتقاد و احترام نسبت بمظاهر مقدسه مینماید . در بیست و چهار سالگی اقبال نمودم وسی وسه سال است که مشغول مطالعه امر اعظم بهائوسی هستم ، با اینحال بایستی اعتنا بر آن کنم هنوز مطالعاتم تمام نشده است .

ادوارد در بین صحبت های تر لغات و کلمات را بزبان فارسی بآلهجه ای بس شیوین بیان میکند و از اطرافیان تر لغاتی را که نمیداند پرسش می کند و از او میگوید چه معتقد است یا دیگری زبانها فارسی و عربی برای احبای غیر ایرانی و یادگیری زبان انگلیسی برای احبای ایران بسیار ضروری است ، زیاده از این صورت احبای غیر ایرانی از گنجینه آثار مبارکه که بزبان وحی و ایرانیان از آثار انگلیسی حضرت ولی محبوب امرالله که ، بالبرای آثار هیکل مبارک است ، محروم میشوند .

ادوارد چنین اداه میدهد : من پس از اقبال بمن نظایر آثار مبارک ، سفرهای بیشمار به اطراف و اکناف امریکا جهت تبلیغ و تشویق احبای نمودم ، در این سفرها با بازماندگان احبائی که بحضور حضرت عبدالبها^۲ ، در سال ۱۹۱۲ مشرف شده اند ، ملاقات نموده ام و - گفتنیهای بسیار روحبخشی از بیانات آنحضرت و جواب سؤالی که از حضور مبارک میشنیده است برایم تعریف نموده اند ، در نظر دارم که مجموعه ای از این خاطرات تهیه نمایم چنانچه مطمئنم در جایی درج شده است .

عقیده ایشان راجع ب مدرسه^۳ تابستانه خواسته میشود . میگویند : متاسفم که به علت ضعف زبان فارسی از کلاسهای درس نتوانستیم استفاده کنیم ، لذا نظری راجع بآن ندارم فقط

متذکر میشوم آنچه در برنامه های آموزشی این کلاسها در درجه اول اهمیت است آموزش حقایق معنوی ، زندگی و حیات بهائی و نظم بدنی است . جوانان بایستی یاد بگیرند که چطور از تعالیم مبارک و دستور العمل حیات بهائوسی در زندگی روزمره استفاده نمایند و آنرا بسایرین یاد بدهند . من تاکنون از مدارس تابستانه زیادی دیدن کرده ام که مهمترین آن مدرسه^۴ تابستانه ، گرین ایگر در امریکا بوده است

در مقایسه این مدرسه با آنها بایستی بگویم احبای ایران از امکانات خوبی برخوردارند خوابگاه ها ، سلف سرویس ، فضای آزاد و . . . در سطح خوبی قرار دارند . در گرین ایگر برنامه های متعددی در زمینه های اجتماعی و هنری جهت ساعات آزاد در نظر گرفته شده و جوانان در گروه های مختلفه فعالیت مینمایند .

سؤال میشود ممکنست برنامه تان را بگوئید میگوید : من در حدود شش ماه قبل از خدمت دولت بازنشسته شدم قبلا در صنایع الکترونیک ، فعالیت داشتم و تصمیم گرفته ام خود را را اختیار اهداف بیت العدل اعظم الهی قرار دهم . فعلا بعدت دو ماه در ایران خواهم بود ، سپس بنقاطی که تعیین خواهد شد ، عزیمت خواهم نمود . آقای ادوارد شلسینگر کلاس کوتاه مدتی بزبان انگلیسی دائر نمودند و جوانان را بفرآگیری این زبان خصوصا^۵ اصطلاحات و مفاهیم امری تشویق نمودند . در برنامه بحث و مذاکره^۶ جمعی اساتید مدرسه شرکت نموده مطالبی راجع به مبادی روحانی ، نظم اداری و غیره در جواب سؤالات نوجوانان حاضر در کلاس ایراد داشتند . وجود ایشان در مدرسه بس رونق برنامه ها افزود و دوستانیکه پای صحبت شیرین ایشان نشسته اند از تجربیات ذیقیمتشان استفاده شایان بردند .

نغمات آسپه

۳ مرتبه

" شخصی پیامی آورد "

عالمیان را
پیامی از عشق
پیامی از زندگی
به همه زندگان
به قلبم سرور

۳ مرتبه

" شخصی پیامی آورد "

عالمیان را
فکر او در سرها
جای او در دلها
درش محبت

اوست بهیچا الله

..... اوست بهیچا الله

انسی

Pete Lielausis

Once was a Man Who told a sto - ry,

Once was a Man Who told a sto - ry, Once was a Man Who

told a sto - ry to all man - kind.

1. He told a sto - ry of love,
2. He lives in the minds of men,

Told a sto - ry of life, told the sto - ry to
Lives in hearts of all, lives to teach the

all who lived, told it to my heart.
world of love, He's Ba - há - 'u' - lláh.

Once Was a Man
Who Told a Story

ترجمہ: سہراب روشن

شنیدیم که یکی از درخشانترین چهره‌ها
کنکور سراسری امسال دانشگاه‌ها، و یکی از پنج
داوطلب ممتاز و برگزیده کنکور از میان بیش از نود
هزار داوطلب، يك جوان بهائی بوده است:
مجید ربانی، که ضمناً در میان کلیه داوطلبان
ورود به دانشگاه صنعتی آریامهر نیز رتبه اول
را احراز کرده است.

خواستیم با این جوان، بیشتر آشنا شده
و او را به خوانندگان عزیز خود معرفی کنیم.
وقتی دانستیم برای گفت و شنیدی به جلسه
تحریریه نوجوانان دعوت شده است، با روی
خوش، دعوتمان را پذیرفت و سر ساعت معهود
در محل مورد نظر حاضر شد. همانطور که
انتظار میرفت، نمونه يك جوان مؤمن و مهذب
بهائی بود، با روی بشاش و حالتی که از ادب
و مهربانی اش حکایت میکرد، در جواب سؤال
ما که از موفقیت‌هایش پرسیدیم، بودیم، گفت:

من در بین داوطلبان ورود به دانشگاه
آریامهر رتبه اول، و میان شرکت‌کنندگان رشته
ریاضی کنکور سراسری رتبه دوم را احراز کرده‌ام
و قصد دارم در رشته برق و الکترونیک دانشگاه
تحصیل کنم.

مبهره هستیم: قبل از اینک
نتایج کنکور اعلام شود، تا چه حد به قبولی خود
امید داشتی؟ با خنده میگوید:

ممکن است تعجب کنید ولی اصلاً امید
نداشتم که در کنکور قبول شوم چون تعداد
داوطلب بقدری زیاد بود که هرگونه امیدی را از
آدم سلب میکرد. میگوئیم: تو که در يك
خانواده بهائی پرورش یافته و تربیت شده‌ای،
قطعا "تا" تیر محیط خانواده را در موفقیت
کنونی ات، بخوبی درک میکنی. قیافه جدی
بخود میگیرد و میگوید:

موفقیت

واقعا همین طور است ، من همیشه مرهون خانواده ام ، و راهنمائیهای پدرم ، و تعلیمات استادان درس اخلاقم ، بخصوص معلم کلاس دوازدهم درس اخلاقمان هستم ، بحدی که نمی توانم میزانی برای این تاثرات در روحیه و زندگی خودم برشمارم . محیط امری آرام و دلپذیری که من پیرامون خود داشتم ، بیشترین سهم را در ایجاد موفقیت امروز من دارا میباشد میدانیم که مجید در طول ۱۲ سال تحصیلش در ۹ کلاس شاگرد اول بوده است و خودش هم اضافه می کند که :

واقعا اگر تشویقها و محبتهای پدر و مادر نبود ، هیچوقت تمایل به آموختن هر چه بیشتر و بهتر ، که مالا به تعالی معنوی منجر میشود در من بوجود نمی آمد . . .

خودش میگوید : تنها هدف من مفید بودن برای جا معصه است ؛ سود منسبت برای هموطنان و موثر برای دیگران . و برای رسیدن باین هدف چه طریقی بر می گزینی ؟

در مرحله اول ادامه تحصیلات آکادمیک و هموازات آن تقویت و افزایش معلومات امری بود مرحله دوم تعلیم و تربیت نو جوانان . و چقدر در جالبست که وقتی از مجید که قصد تکمیل معلومات و آموزش نو جوانان را دارد ، در مورد بزرگترین آرزوی زندگی اش سوال میکنید ، با شور و شوق عجیبی میگوید :

همیشه آرزو داشتم که بیک جای در افتاد این دنیا بیروم و بسه ام سر خدمت کنم .

از فعالیتهای امری او سوال میکنیم میگوید : برنامه های که پیش بینی کرده ام مطالعه کتب امری و آشنائی بیشتر با معارف امری

بمنظور درك بیشتر اهمیت و عظمت آن است و در این مهم از پدر خود که کتابخانه بزرگی در اختیارم نهاده و خود مطالعات زیادی در این زمینه نموده است راهنمائی خواهم خواست . آنچه از نحوه مطالعه و کار او برمی آید میتوان در این جمله خلاصه نمود که :

خوب بودن در زمینه های مختلف بهتر از ظالی بودن در يك زمینه است چه او همواره در دوران تحصیل هموازات مطالعه درسی بسیار فعالیتهای سازنده نیز همت ورزیده است . میگوید : یاد ندارم در دوران تحصیل دیرتر از حد معمول خوابیده و بازودتر از وقت عادی بمنظور آمادگی جهت امتحانات بیدار شده باشم ، چه همواره سعیم بر این بوده که از هر فرصت کوتاهی استفاده شایان برم و باین وسیله بازده کارم نسبتا خوب بوده است .

بهمین جا صحبت ما پایان می پذیرد هر چند گفتنیها بسیار است و او با همان حالت متبسم از جمع ما خارج میشود .

